



4

Vol. 6
Winter 2025

Research Paper

Received:
02 June 2025
Revised:
23 July 2025
Accepted:
29 October 2025
Published:
22 December 2025
P.P: 211-246

ISSN: 2717-3674
E-ISSN: 2717-3666



Trend Analysis of China's Digital Diplomacy in East Asia: Approaches for Enhancing Iran's Soft Power in West Asia Using Digital Diplomacy

Zahra Askaribagherabadi*¹ | Ahmadrza Mirzae²

Abstract

The rise of new technologies has introduced "digital diplomacy," a modern approach that uses online platforms to shape a country's image, craft strategic narratives, and engage directly with global audiences. This study compares China's digital diplomacy trends in East Asia to identify practical lessons for enhancing Iran's soft power in West Asia. The key question is: "What trends characterize China's digital diplomacy in East Asia, and how can these inform strategies to boost Iran's soft power in West Asia?" This study adopts a trend analysis approach grounded in documentary research to identify the main patterns and recurring themes of China's digital diplomacy in East Asia. Through a comparative framework, it also examines the public diplomacy strategies of the Islamic Republic of Iran in West Asia, drawing relevant lessons from China's experience. The findings reveal four key trends in China's digital diplomacy: strategic digital narrative construction, scientific and elite network-building, the expansion of digital cultural and educational institutions, and the growing involvement of technology companies in foreign policy. The study suggests that a deeper understanding of these trends and China's digital diplomacy model could offer valuable insights for enhancing Iran's soft power in the West Asian region.

Keywords: Digital Diplomacy, Soft Power, Islamic Republic of Iran, China, Trend Analysis.

1. Corresponding Author: Master's degree, Department of East Asian Studies, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs University, Tehran, Iran. Email: zahra.askari1375@gmail.com
2. PhD in Futures Studies, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Cite this Paper: Askaribagherabadi, Z & Mirzae, A(2025). Trend Analysis of China's Digital Diplomacy in East Asia: Approaches for Enhancing Iran's Soft Power in West Asia Using Digital Diplomacy. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(6), 211-246.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)(CC BY 4.0) .



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

صص: ۲۴۶-۲۱۱

شاپا چاپ: ۳۶۷۴-۲۷۱۷

الکترونیکی: ۳۶۶۶-۲۷۱۷



روند پژوهی دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا؛ راهکارهایی برای تقویت قدرت نرم ایران در غرب آسیا از طریق دیپلماسی دیجیتال

زهرا عسکری باقرآبادی^{۱*} | احمدرضا میرزایی^۲

چکیده

در ادامه توسعه فناوری‌های نوظهور، نوع جدیدی از دیپلماسی عمومی تحت عنوان «دیپلماسی دیجیتال» پدید آمده است که به استفاده حاکمیت‌ها از بسترهای ارتباطی برخط برای برندسازی ملی، روایت‌سازی و تعامل مستقیم با افکار عمومی جهانی اطلاق می‌گردد. این بررسی، با هدف مطالعه تطبیقی روندهای دیپلماسی دیجیتال کشور چین در منطقه شرق آسیا و استخراج درس‌آموخته‌هایی برای ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا صورت گرفته است. پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که «روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا کدام هستند و چه درس‌آموخته‌هایی برای تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا می‌توان از آن‌ها استنباط کرد؟» روش پژوهش، مبتنی بر تحلیل محتوای اسناد است که با بررسی مضامین و الگوهای تکرارشونده دیپلماسی دیجیتال چین در منطقه شرق آسیا، به شناسایی روندهای آن منتج شده است. سپس در چارچوب مطالعه‌ای تطبیقی، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا مورد بررسی قرار گرفته و درس‌آموخته‌هایی از تجربه دیپلماسی دیجیتال چین مطرح شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایت‌سازی دیجیتال هدفمند، شبکه‌سازی علمی-نخبگانی، توسعه نهادهای فرهنگی-آموزشی دیجیتال، و نقش‌آفرینی فزاینده شرکت‌های فناوری در سیاست خارجی چهار روند کلیدی دیپلماسی دیجیتال چین هستند و تصور می‌شود که مطالعه الگوی دیپلماسی دیجیتال چین و روندپژوهی آن، می‌تواند به ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا یاری رساند.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی دیجیتال، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، چین، روندپژوهی.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی‌ارشد گروه مطالعات شرق آسیا، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه وزارت امورخارجه، تهران، ایران.

Email: zahra.askari1375@gmail.com

۲. دکتری آینده پژوهی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

استناد: عسکری باقرآبادی، زهرا و میرزایی، احمدرضا (۱۴۰۴). روندپژوهی دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا؛ راهکارهایی برای تقویت قدرت نرم ایران در غرب آسیا از طریق دیپلماسی دیجیتال. *نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، ۶(۴)، ۲۴۶-۲۱۱.



مقدمه و بیان مسئله

بیش از دو دهه از معرفی مفهوم «قدرت نرم» توسط جوزف نای به عنوان یکی از ارکان اساسی قدرت ملی کشورها می‌گذرد (گیلبوآ، ۲۰۰۸: ۵۷). آنچه که امروزه به عنوان دیپلماسی عمومی بازمی‌شناسیم؛ حاصل پیوند حوزه عمومی با نهادهای رسمی حاکمیت است. به طوری که علاوه بر دولت‌ها، جامعه مدنی، نهادهای فراملی و کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز در زمره بازیگران آن به‌شمار می‌رود (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۸۹). در این میان، «دیپلماسی دیجیتال» به‌عنوان جلوه‌ای نوین از دیپلماسی عمومی، برای دولت‌ها اهمیت ویژه‌ای یافته است. این نوع از دیپلماسی به دنبال توسعه فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین و ابزارهای ارتباطی جدید از قبیل رسانه‌های اجتماعی، شکل گرفته است. دیپلماسی دیجیتال علاوه بر تحول شیوه‌های سنتی تعامل دیپلماتیک با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، امروزه به ابزاری برای رقابت در تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی تبدیل شده است (مانور، ۲۰۱۹: ۷۳).

جمهوری خلق چین یکی از نمونه‌های شناخته‌شده و موفق در حوزه استفاده از دیپلماسی دیجیتال در راستای راهبرد تقویت قدرت نرم خود در شرق آسیا است. این کشور طی سال‌های اخیر با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و رویکرد روایت‌محور، به بازتعریف موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی پرداخته است.

مطالعات موردی درباره تعاملات چین با کشورهای عضو اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) نشان می‌دهد که این کشور به طور هدفمند و بر اساس محاسبات ژئوپلیتیکی، پیام‌های متنوعی را در فضای دیجیتال مخابره می‌کند (ژو، ۲۰۲۰: ۲۶). این کشور، در مواجهه با هر یک از کشورهای آسه‌آن، راهبرد روایی خاصی را اتخاذ می‌کند که متناسب با وزن ژئوپلیتیکی، جهت‌گیری سیاسی، حساسیت‌های فرهنگی و میزان وابستگی اقتصادی آن کشور به پکن طراحی شده است. این راهبرد مبتنی بر تطبیق‌پذیری و انعطاف در انتقال پیام دیجیتال، به چین اجازه داده است تا در مواجهه با کشورهای منطقه، به صورت پیش‌دستانه به ساخت یک «نظم روایی» پردازد که در آن، برند ملی چین و تصویر عمومی آن، به عنوان قدرتی توسعه‌گرا، غیرتهاجمی و مسئول در ذهن مخاطبان ترسیم می‌گردد. اتخاذ این راهبرد در حوزه دیپلماسی دیجیتال، چین را قادر

ساخته است تا در برابر بحران‌هایی همچون منازعات دریای جنوبی چین، ابتکار عمل را در دست گیرد و به تدریج قواعد بازی اطلاعاتی را در محیط دیجیتال منطقه‌ای به نفع خود بازتعریف کند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز از ظرفیت‌های قابل توجهی برای افزایش قدرت نرم خود در منطقه غرب آسیا برخوردار است. کشور ما علاوه بر تکیه به گفت‌وگو، مقاومت و ارزش‌های انقلاب اسلامی، می‌تواند از ابزارهای فرهنگی و تمدنی غنی همچون زبان فارسی، هنرهای سنتی، ادبیات و تاریخ پربرابر، ظرفیت‌های رسانه‌ای مانند شبکه‌های پرس‌تی‌وی و العالم و همچنین نهادهای علمی و دینی، به عنوان منابع قدرت نرم خود در منطقه بهره‌بردار (رهبرنیا، ۱۳۹۴: ۱۳۰). با این حال، علی‌رغم وجود این ظرفیت‌های بی‌نظیر، ایران هنوز در بهره‌گیری مؤثر از دیپلماسی دیجیتال برای ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود، با چالش‌هایی در حوزه سیاست‌گذاری، توسعه زیرساخت و تعاملات بین‌المللی مواجه است.

پژوهش حاضر، با تحلیل و بررسی روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در منطقه شرق آسیا، در پی آن است تا با بررسی رویکردها و ابزارهای این کشور در حوزه قدرت نرم، به استخراج درس‌آموخته‌هایی برای طراحی مدل بومی دیپلماسی دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا دست یابد. فرض اصلی پژوهش آن است که روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا بر مبنای بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوظهور و سیاست‌گذاری یکپارچه به تقویت قدرت نرم این کشور منجر شده است و تطبیق این تجربیات با توجه به ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به تقویت قدرت نرم ایران در منطقه غرب آسیا کمک کند.

مبانی نظری پژوهش

قدرت نرم

در اندیشه کلاسیک، اشکال و تعابیر مختلفی از مفهوم قدرت وجود دارد؛ اما بسیاری معتقدند که قدرت در دوره مدرن، بیش از هر اندیشمندی توسط هابز مورد توجه قرار گرفته است. در این دوران ماهیت قدرت و محوریت آن عموماً در رابطه با دولت تعریف می‌شد. با پایان جنگ سرد، الگوهای کسب و تولید قدرت تغییر کردند و به نوعی متغیرهای جدیدی برای تولید، اعمال قدرت و کسب نفوذ وارد حوزه سیاست بین‌الملل شده و این عرصه را به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی

و هویتی قرارداده‌اند. در همین راستا، وجهه و اعتبار بین‌المللی و دستیابی به قدرت نرم، یکی از به یکی از اهداف مهم دولت‌ها در حوزه سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. دولت‌ها می‌توانند با ارائه تصویری جذاب از خود نزد افکار عمومی جهان، به ابزارهای مقبولی جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود دست یابند (شهرام‌نیا، ابراهیمی و بلباسی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

قدرت نرم به تعبیر جوزف نای «توانایی کسب مطلوبیت از طریق جاذبه، نه اجبار یا تطمیع» است (نای، ۲۰۰۴: ۵). به عبارت دیگر، قدرت نرم به ظرفیت یک بازیگر سیاسی برای تأثیرگذاری بر دیگران به گونه‌ای اشاره دارد که رفتار یا ترجیحات آن‌ها بدون استفاده از تهدید یا پاداش مادی تغییر کند. این تأثیرگذاری معمولاً از طریق منابعی چون فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، مشروعیت سیاست خارجی، و هویت‌های جمعی صورت می‌گیرد.

در عصری که جهانی شدن اطلاعات و فشرده شدن ارتباطات مرزهای سنتی قدرت را درنور دیده است، قدرت نرم به ابزاری حیاتی برای نفوذ بدون نیاز به اعمال زور تبدیل شده است. این امر موجب شده است که امروزه بازیگران غیرحکومتی مانند رسانه‌های جمعی، نهادهای علمی، موسسات فرهنگی و حتی افراد تأثیرگذار نیز در شکل‌دهی به قدرت نرم کشورها موثر باشند (نای، ۲۰۱۱: ۸۵).

دیپلماسی دیجیتال

به دنبال تحول فناوری و نیز جهانی شدن ارتباطات، دیپلماسی عمومی نیز مانند سایر عرصه‌های حیات سیاسی متحول شده است. در این میان، می‌توان دیپلماسی دیجیتال را یکی از مهم‌ترین نمودهای انقلاب دیجیتال و ظهور فناوری‌های نوین در روابط بین‌الملل عنوان کرد. منظور از دیپلماسی دیجیتال، به کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های تعاملی، در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی و مدیریت ارتباطات بین‌المللی است (بجولا و هولمز، ۲۰۱۵: ۳). این نوع دیپلماسی، فراتر از انتقال صرف پیام‌های رسمی و دیپلماتیک میان دولت‌ها، به ارتقای تصویر ملی کشورها و مقابله با پروپاگاندا کمک کرده و امکان تعامل مستقیم با افکار عمومی جهانی و تأثیر بر آن را مهیا می‌سازد.

دیپلماسی دیجیتال به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا سریع‌تر، گسترده‌تر و با هزینه کمتر پیام‌های خود را در داخل و خارج از مرزهای جغرافیایی خود، منتشر کنند و در مدیریت بحران‌ها و در

مواجهه با پروپاگاندا و جنگ روایت‌ها ابتکار عمل داشته باشند (مانور، ۲۰۱۹: ۷۲). از این رو می‌توان اذعان کرد که دیپلماسی دیجیتال به عرصه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیکی و جنگ‌های نرم بدل شده است. امروزه، دولت‌ها تلاش می‌کنند از طریق روایت‌سازی در بسترهای دیجیتال، هویت ملی و مشروعیت سیاسی خود را تقویت کنند و با استفاده از آن منافع راهبردی خود را در عرصه جهانی پیش ببرند (وستکات، ۲۰۰۸: ۶).

منطقه‌گرایی^۱

منطقه‌گرایی یکی از مفاهیم بنیادین در روابط بین‌الملل است که به فرآیند شکل‌گیری همکاری‌های نهادی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی میان کشورهایی که در یک حوزه جغرافیایی مشترک قرار دارند؛ اشاره دارد. این کشورها معمولاً دارای تهدیدات، اقتضات و همچنین فرصت‌های مشابهی هستند که همکاری منطقه‌ای را برای دستیابی به اهداف مشترک ضروری می‌سازد (فیوست، ۲۰۰۵: ۲۵).

نخستین بار، مفهوم منطقه‌گرایی توسط کارل دوویچ در قالب نظریه «جوامع امنیتی»^۲ مطرح شد. این مفهوم بر اهمیت تعامل و همبستگی میان کشورها برای کاهش تنش‌های نظامی و ارتقای امنیت دسته‌جمعی تأکید دارد (دوویچ: ۱۹۵۷: ۴). در دهه‌های بعد، پژوهشگرانی مانند ارنست هاس و جوزف نای، با توسعه نظریه‌های نوکارکردگرایانه و لیبرال، منطقه‌گرایی را به‌عنوان ابزاری برای همگرایی اقتصادی و سیاسی در نظر گرفتند. طی سال‌های بعد، بری بوزان و ویور نیز در نظریه «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای»^۳، ابعاد امنیتی منطقه‌گرایی را برجسته کرده و استدلال نمودند که تهدیدات امنیتی عموماً در سطح منطقه‌ای شکل می‌گیرند و به همین دلیل ضروری است که آن‌ها را در منطقه تحلیل کنیم (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۴۵).

در ابعاد امنیتی، منطقه‌گرایی نقشی کلیدی در مدیریت تهدیدات مشترک، اعتمادسازی، کاهش منازعات و افزایش ثبات ایفا می‌کند. نمونه‌های موفق چون اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) نشان می‌دهد که همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند به حفظ صلح و ارتقاء امنیت جمعی کمک کند. علاوه بر بعد امنیتی این مفهوم، منطقه‌گرایی تأثیر قابل توجهی بر توسعه

1 Regionalism

2 Security Communities

3 Regional Security Complex Theory

اقتصادی، همبستگی فرهنگی و حتی حفاظت از زیست‌بوم منطقه دارد. در حوزه فرهنگی نیز، تبادل فرهنگی و آموزشی میان کشورهای منطقه، زمینه‌ساز تقویت هویت منطقه‌ای و افزایش انسجام میان ملت‌ها می‌گردد (فیوست، ۲۰۰۵: ۲۵).

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز منطقه‌گرایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی حساس ایران، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند به تثبیت جایگاه ایران در غرب آسیا کمک کند. مطالعات داخلی نشان می‌دهد که ایجاد شبکه‌های امنیتی و پیمان‌های همکاری چندجانبه می‌تواند به کاهش تهدیدات منطقه‌ای و تقویت امنیت ملی ایران بیانجامد (افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

روند پژوهی^۱

روند پژوهی، یکی از روش‌های اساسی در تحلیل‌های آینده‌پژوهانه، راهبردی و نیز سیاست‌گذاری است که هدف آن شناسایی، ردیابی و تحلیل تغییرات تدریجی و پایدار در محیط‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فناوری است. روندها برخلاف تحولات ناگهانی یا رویدادهای کوتاه‌مدت، دارای پیوستگی زمانی، جهت‌گیری مشخص و قدرت تأثیرگذاری بر ساختارهای کلان آینده هستند. روند پژوهی امکان فهم عمیق‌تر از دینامیک‌های جاری و پیش‌بینی جهت‌گیری‌های محتمل در محیط‌های در حال تغییر را فراهم می‌آورد (گلن و گوردن، ۲۰۰۹: ۴).

مفهوم روند پژوهی برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط محققانی چون هرمان کان^۲ و موسسه مطالعاتی رند، برای پیش‌بینی تحولات نظامی، فناوری و اجتماعی مطرح شد. طی سال‌های بعد، روند پژوهی به عنوان یک روش تحلیلی مستقل رشد یافت و در حوزه‌های مختلفی چون سیاست‌گذاری عمومی، دیپلماسی، کسب‌وکار و نیز حوزه‌های امنیتی به کار گرفته شد. روند پژوهی به معنای ساده، بررسی تغییراتی است که طی یک بازه زمانی در جریان بوده و بر آینده تأثیر می‌گذارند. برخلاف پیش‌بینی یا سناریو، روندها دارای ویژگی‌هایی چون تدریجی بودن، پایداری نسبی و قابلیت شناسایی الگوهای پیوسته هستند (یارمحمدی و عباسی، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

1 Trend Analysis

2 Herman Kahn

اهمیت روند پژوهی به ویژه زمانی برجسته می‌شود که تصمیم‌گیرندگان با محیط‌هایی پیچیده، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو باشند. در چنین شرایطی، شناسایی روندهای تأثیرگذار، امکان طراحی سیاست‌ها و اقدامات منعطف و آینده‌نگر را فراهم می‌کند. روند پژوهی در دیپلماسی، سیاست خارجی و امنیت بین‌الملل به کشورها این امکان را می‌دهد که از طریق شناخت به موقع تغییرات محیطی، راهبردهای خود را به‌روز کنند و در مقابل تهدیدات احتمالی واکنش پیش‌دستانه‌ای داشته باشند.

پیشینه پژوهش

همانطور که پیش از این اشاره شد؛ تحولات شتابان فناوری‌های ارتباطی و ظهور دیپلماسی دیجیتال در دهه‌های اخیر، مفهوم قدرت نرم را دستخوش بازتعریف‌های گسترده کرده است. این تغییرات، کشورها را بر آن داشته تا برای تأمین منافع ملی و تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود، به بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین دیپلماسی عمومی از قبیل دیپلماسی دیجیتال توجه بیشتری داشته باشند. در این میان، چین یکی از کشورهایی است که سال‌ها است به دنبال بازطراحی راهبردهای قدرت نرم خود با استفاده از ابزارهای دیجیتال در محیط‌های منطقه‌ای خود بوده است.

چین از اوایل دهه ۲۰۱۰ به طور فزاینده‌ای دیپلماسی دیجیتال را به عنوان ابزاری برای حمایت از اهداف ژئوپلیتیکی خود به کار گرفته است. پروفیسور وانگ و همکار وی چن، در مطالعه‌ای بر روی نحوه بازنمایی بحران دریای جنوبی چین در شبکه‌های اجتماعی، نشان می‌دهند که چین با استفاده از شبکه‌های اجتماعی چون «اکس» و «ویبو»، روایت‌های مبتنی بر صلح، همکاری و مشروعیت تاریخی سرزمین اصلی در دریای جنوبی چین را برجسته ساخته است (وانگ و چن، ۲۰۲۳: ۴). این امر، نشانگر استفاده هدفمند چین از ابزارهای دیجیتال برای شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی است.

فرا تر از بحران‌های منطقه‌ای، هوانگ بر اهمیت نهادهای آموزشی دیجیتال، نظیر نسخه برخط مؤسسات کنفوسیوس، به عنوان ابزارهای قدرت نرم فرهنگی چین در جنوب شرق آسیا تأکید می‌کند. وی معتقد است که چین به دنبال آن است تا با ترکیب فرهنگ سنتی چینی و فناوری‌های نوین ارتباطی، یک روایت فرهنگی نوین و جذاب برای نسل‌های جوان آسیایی ارائه دهد (هوانگ،

۲۰۲۱: ۶۷-۷۰). ژانگ نیز در پژوهش خود به دیپلماسی سلامت چین پرداخته است و استدلال می‌کند که ارسال واکسن‌های کووید-۱۹ و همچنین راه‌اندازی کمپین‌های اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی دیجیتال، بخشی از راهبرد قدرت نرم چین بوده است که تلاش داشته است تصویر چین را به عنوان یک کشور خیرخواه و مسئولیت‌پذیر تقویت کند (ژانگ، ۲۰۲۲: ۱۸).

دیگر بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که چین در چارچوب پروژه جاده ابریشم دیجیتال نیز به توسعه زیرساخت‌های مبتنی بر فناوری در کشورهای آسیایی و به دنبال آن تقویت قدرت نرم خود در این حوزه پرداخته است. نویسنده مقاله «جاده ابریشم دیجیتال چین: زیرساخت و نفوذ ژئوپلیتیکی»^۱ نشان می‌دهد که این پروژه علاوه بر دنبال کردن اهداف اقتصادی، بلکه با ترویج استانداردهای دیجیتال چینی، زمینه لازم برای افزایش نفوذ سیاسی و فرهنگی چین در کشورهای عضو این ابتکار را فراهم می‌کند (سان، ۲۰۲۱: ۱۱۲).

از سوی دیگر ژائو و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه خود، به تلاقی بین گفتمان رسمی دولتی و احساسات ملی‌گرایانه کاربران فضای مجازی در چین پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که چین به گونه‌ای ماهرانه از هر دو سطح رسمی و مردمی در دیپلماسی دیجیتال خود بهره می‌گیرد تا انسجام داخلی و نفوذ خارجی را همزمان تقویت کند (ژائو و همکاران، ۲۰۲۴: ۵). چین با استفاده از مد و اینفلوئنسرهای این کشور در پلتفرم‌های تعاملی در جنوب شرق آسیا، سعی در بازآفرینی تصویر فرهنگی خود داشته است و این راهبرد به خصوص در میان نسل‌های جوان موفقیت‌آمیز بوده است (لی، ۲۰۲۵).

در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت بسط قدرت نرم خود در منطقه غرب آسیا حرکت کرده است. افتخاری، در پژوهش خود با بررسی مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی چون زبان فارسی، فرهنگ عاشورایی و مقاومت اسلامی، تأکید می‌کند که ایران از این ابزارها برای ایجاد انسجام فرهنگی و گسترش هویت منطقه‌ای خود بهره می‌برد (افتخاری، ۱۴۰۱، ص. ۸۲). در همین راستا، احمدیان نیز در بررسی خود تحلیل جامعی از ابزارهای قدرت نرم ایران ارائه می‌دهد. وی رسانه‌های برون‌مرزی از قبیل شبکه‌های «پرس‌تی‌وی» و «العالم»، شبکه‌های دانشگاهی و

1 China's Digital Belt and Road: Infrastructure and Geopolitical Influence

همچنین دیپلماسی مذهبی را از جمله مهم‌ترین روش‌های افزایش قدرت نرم ایران در غرب آسیا عنوان می‌کند (احمدیان، ۲۰۲۰: ۴۵-۴۷).

در میان مقالات بررسی شده در خصوص ابعاد و روندهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مقاله «روندهای مؤثر بر قدرت نرم ایران در دهه پیش رو» با استفاده از رویکرد روندپژوهی، بر ضرورت بازتعریف سیاست‌های قدرت نرم ایران در مواجهه با روندهای نوظهور اجتماعی-فرهنگی تأکید دارد (حسن‌زاده و اکبری، ۱۴۰۲: ۶۵). نویسندگان این مطالعه معتقد هستند که تغییرات نسلی، دیجیتالی شدن فرهنگ و رشد شبکه‌های اجتماعی، توجه به دیپلماسی دیجیتال در کشور را بیش از پیش ضروری می‌سازد. از منظر سیاست‌گذاری، قلی‌پور و همکاران نشان می‌دهند که روندپژوهی می‌تواند به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات نوظهور در قدرت نرم ایران کمک کند و تدوین سیاست‌های آینده‌نگرانه را تسهیل نماید (قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲).

یکی از مطالعات جدیدی که در این حوزه صورت گرفته، به پیشران‌های نوین نفوذ منطقه‌ای ایران پرداخته است. رضایی در مقاله خود با عنوان «پیشران‌های نفوذ منطقه‌ای ایران: قدرت نرم و هم‌افزایی نظامی» تأکید می‌کند که قدرت نرم ایران بیش از گذشته نیازمند تلفیق مؤثر دیپلماسی دیجیتال با روایت‌های فرهنگی سنتی است (رضایی، ۱۴۰۳: ۱۰). همچنین موسوی در مقاله خود تحت عنوان «تأثیر ارتباطات دیجیتال بر قدرت نرم ایران در غرب آسیا» تحلیل کرده که در دوره کنونی قدرت نرم ایران به شدت تحت تأثیر کیفیت ارتباطات دیجیتال و تعاملات مردمی در سطح منطقه‌ای قرار گرفته و بر اهمیت حضور مؤثر در بسترهای رسانه‌ای جدید تأکید کرده است (موسوی، ۱۴۰۳: ۶).

از مطالعات آینده‌پژوهانه‌ای که در آن به مقوله قدرت نرم ایران در منطقه غرب آسیا توجه کرده باشد، می‌توان به مقاله «آینده پژوهی بازتاب نرم انقلاب اسلامی ایران بر ارتقای قدرت شیعیان یمن» اشاره کرد. نویسنده مقاله با تحلیل روندهای منطقه‌ای، نشان می‌دهد که چگونه بازتاب‌های فرهنگی و معنوی انقلاب اسلامی موجب افزایش نفوذ ایران در شبه‌جزیره عربستان شده و نگرانی‌هایی را برای عربستان سعودی به وجود آورده است (درج، ۱۴۰۳: ۶۵). همچنین طحان و همکاران در مقاله‌ای دیگر به شناسایی ابعاد دیپلماسی ورزشی در افزایش قدرت نرم آینده

جمهوری اسلامی ایران و نیز افزایش نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران با استفاده از این ابزار در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته‌اند (طحان و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۰).

مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که هر دو کشور چین و ایران، با بهره‌گیری از دیپلماسی دیجیتال و مؤلفه‌های فرهنگی، در تلاش برای تقویت قدرت نرم خود هستند. با این حال، مطالعات تطبیقی که به بررسی روندهای دیپلماسی دیجیتال این دو کشور بپردازند، کمتر انجام شده است. در اغلب مطالعاتی که با توجه به وسع جست‌وجوگری پژوهشگران این مطالعه بررسی شد؛ عمده تمرکز به ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای، تحولات فناوری و تأثیر آن‌ها معطوف بود و روندهای حوزه دیپلماسی دیجیتال پژوهش‌چندان مورد توجه قرار نگرفته بودند. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به تحلیل تطبیقی دیپلماسی دیجیتال چین و ایران می‌پردازد و درس‌آموخته‌هایی از روند پژوهی دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا ارائه می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، یک مطالعه‌ی کاربردی و از منظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد آینده‌پژوهانه است و در آن تلاش شده است روندهای دیپلماسی دیجیتال چین طی دو دهه اخیر در منطقه شرق آسیا شناسایی و تبیین گردد. همچنین در ادامه، مطالعه‌ای تطبیقی برای استخراج درس‌آموخته‌هایی جهت تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا نیز صورت گرفته است. مطالعه تطبیقی با مقایسه نظام‌مند پدیده‌ها در زمینه‌های مختلف، امکان شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و عوامل مؤثر بر موفقیت یا ناکامی را فراهم می‌کند (لاندمن، ۲۰۰۸: ۲۸).

برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش درخصوص روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا و درس‌آموخته‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، از روش تحلیل اسناد برای گردآوری داده‌ها و از روش تحلیل مضمون کیفی برای تحلیل داده‌ها و استخراج روندها استفاده شده است. در گام نخست، اسناد سیاستی، گزارش‌های راهبردی، مقالات علمی معتبر و منابع بین‌المللی مرتبط با دیپلماسی دیجیتال چین طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ گردآوری شدند. مجموعه داده‌های مورد تحلیل شامل ۳۰ سند و مقاله کلیدی بود که با هدف استخراج الگوهای تکرارشونده، مفاهیم کلیدی و روندهای تأثیرگذار مورد بررسی قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌های کیفی، از مدل تحلیل

مضمون گرانهیم و لاندمن (Graneheim & Lundman, 2004) استفاده شده است که در مطالعات کیفی کاربرد گسترده‌ای دارد. برای این امر، ابتدا، متون و اسناد به منظور آشنایی کلی با محتوا بارها مطالعه شدند و جملات، بندها یا پاراگراف‌هایی که مرتبط با مفهوم «دیپلماسی دیجیتال چین» بودند؛ مورد شناسایی قرار گرفتند. در ادامه واحدهای معنایی مشابه، گروه‌بندی شدند و در نهایت مضامین اصلی که ساختار معنایی کلان دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا را تبیین می‌کنند، بدست آمدند. این فرایند در قالب جدول ۱ بخش یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

در بخش یافته‌ها، ابتدا مقدمه‌ای در باب دیپلماسی عمومی و دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا ارائه شد تا سیر تاریخی تحول دیپلماسی عمومی این کشور و جایگاه آن در دستگاه سیاست خارجی دولت چین تبیین گردد. سپس روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا به تفصیل شرح داده شد. در ادامه، ضمن مروری بر سیر تحول و شکل‌گیری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، راهبردها و اهداف سیاست خارجی کشورمان معرفی شد و در نهایت دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا با دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا مورد مقایسه قرار گرفت. این مقایسه در چارچوب روش مطالعه تطبیقی و با بررسی اهداف و راهبردهای دیپلماسی دیجیتال دو کشور صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

سیر تاریخی دیپلماسی عمومی چین

از زمان آغاز اصلاحات اقتصادی و سیاست «درهای باز» در دوران دنگ شیائوپینگ، دیپلماسی عمومی چین مسیر تحول خود را آغاز کرد و از یک تلاش پراکنده برای جلب افکار عمومی جهانی، با اقداماتی از قبیل دیپلماسی پینگ‌پنگ^۱، به امانت سپردن پانداها به باغ‌وحش‌های دیگر کشورهای جهان^۲ و ارائه پیشنهاد برای برگزاری المپیک، به یک راهبرد سازمان‌یافته و هدفمند تبدیل شد (ریپنیکوا، ۲۰۰۶: ۵۶).

1 ping-pong diplomacy

2 panda loans

با روی کار آمدن جیانگ زمین، مرحله جدیدی از نهادینه‌سازی دیپلماسی عمومی آغاز شد. با پایان جنگ سرد و پس از شوک وقایع میدان تیان آن‌من، چین با شعار «خیزش مسالمت‌آمیز»^۱ توجه خود را به نقش‌آفرینی جدی در نظم چندقطبی معطوف کرد. جیانگ در اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌طور هدفمند بر قدرت فرهنگی تمدن چینی تأکید می‌کرد و تلاش داشت روایت‌هایی مبتنی بر تاریخ و فرهنگ بومی در برابر گفتمان‌های غربی شکل دهد (ژانگ و برسلین، ۲۰۲۰: ۱۲۳).

در دوره هو جین تائو، دیپلماسی عمومی وارد مرحله‌ای فعال و رسمی شد. سیاست «جهان هماهنگ» به‌عنوان چارچوب اصلی سیاست خارجی وی، روایتی منسجم از جایگاه چین در نظم جهانی جدید ارائه کرد (ماسودا، ۲۰۱۱: ۱۶۸). در همین دوران، مؤسسات کنفوسیوس به‌عنوان ابزار اصلی گسترش زبان و فرهنگ چینی توسعه یافتند. به‌طوری که تا اواسط دهه ۲۰۱۰ تعداد شعبات این موسسه در سراسر جهان به بیش از هزار مرکز رسید (هارتینگ، ۲۰۱۶: ۹۷). رسانه‌های رسمی چین نظیر «چین امروز» و «شینهوآ»^۲ نیز فعالیت بین‌المللی خود را گسترش دادند و به راه‌اندازی نسخه‌های دوزبانه مبادرت ورزیدند (ریپنیکوا، ۲۰۲۲: ۵۹).

با روی کار آمدن شی جین‌پینگ، دیپلماسی عمومی چین، صورتی ساختاریافته‌تر و ایدئولوژیک‌تر یافته است. شی، مسئولان را به «روایت خوب داستان چین»^۳ فراخواند و ساخت تصویر بین‌المللی چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ را در زمره اولویت‌های راهبردی کشور قرار داد (شی، ۲۰۱۴: ۶). در این راستا، برنامه‌های اقتصادی کلان مانند ابتکار کمربند و راه، به‌عنوان ابزارهایی برای «دیپلماسی پیوند»^۴ معرفی شدند (سان، ۲۰۲۱: ۱۱۳). تأسیس نهادهایی مانند «انجمن دیپلماسی عمومی چین»^۵ در سال ۲۰۱۲ برای هماهنگی میان اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و ایجاد اداره ویژه دیپلماسی عمومی در وزارت خارجه، بخشی از تلاش‌های دولت چین برای نظام‌مندشدن دیپلماسی عمومی این کشور است (ژائو و همکاران، ۲۰۲۴: ۵).

دیپلماسی عمومی چین در طول این سال‌ها از نظر نهادی، ساختاری پیچیده و چندلایه یافته است. امروزه وزارت امور خارجه این کشور، دپارتمانی تخصصی برای مطبوعات، ارتباطات و دیپلماسی

1 Peaceful rise

2 Xinhua

3 tell the China story well

4 connectivity diplomacy

5 the China Public Diplomacy Association

عمومی^۱ دارد که مسئول مدیریت روابط و پیام‌رسانی رسانه‌های خارجی است. «دپارتمان بین‌المللی حزب کمونیست چین» و «دپارتمان مرکزی پروپاگاندا و حزب کمونیست چین» نیز هدایت این دیپلماسی را به عهده دارند. سازمان‌هایی چون «انجمن دوستی مردم چین با کشورهای خارجی»^۲، رسانه‌های بین‌المللی مانند شبکه‌های تلویزیونی انگلیسی زبان چین، «رادوی بین‌المللی چین»^۳، روزنامه انگلیسی «چین امروز» و همچنین نهادهای آموزشی مانند مؤسسات کنفوسیوس، شبکه گسترده‌ای از کنشگران قدرت نرم چین تشکیل داده‌اند (ژانگ، ۲۰۲۲: ۱۸).

دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا

سیاست «همسایه خوب»^۴ که از اواسط دهه ۱۹۹۰ در سیاست خارجی چین مطرح شد؛ نقطه عطفی در تمرکز دیپلماسی عمومی این کشور بر منطقه شرق آسیا تلقی می‌شود. در چارچوب این سیاست، چین به طور هدفمند روابط دوجانبه خود را با تمرکز ویژه بر منطقه شرق آسیا تقویت کرد و درصدد حل مشکلات مرزی و ارضی موجود با بسیاری از همسایگان خود برآمد. این کشور همچنین تلاش کرد تا در قبال درگیری‌های پیچیده منطقه‌ای، رویکردی همکاری‌جویانه اتخاذ کند (مود، ۲۰۲۲: ۳) چین تلاش کرد تا از خود، تصویری به‌عنوان یک قدرت مسئول که به «تقدیر مشترک» متعهد است، ارائه دهد و با ابتکاراتی مانند «کمربند و جاده» و «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا»^۵، این تصویر را تقویت کند. به عنوان مثال، تلویزیون دولتی چین، برنامه‌های خبری و مستندهایی به زبان‌های محلی تولید می‌کنند که به طور خاص برای مخاطبان جنوب شرقی آسیا بومی سازی شده‌اند (تونگ کئونکونت، ۲۰۲۵). همچنین، چین به طور فعال در نمایشگاه‌ها و رویدادهای عمومی مشترک _مانند نمایشگاه‌های اکسپوی چین-آسه آن_ شرکت می‌کند تا بر توسعه مشترک و جامعه با سرنوشت مشترک این منطقه تأکید ورزد (سان، ۲۰۲۱: ۱۱۲).

از دهه دوم قرن بیست و یکم، جمهوری خلق چین با درک روزافزون از اهمیت فزاینده فناوری‌های نوظهور در عرصه حکمرانی جهانی، تمرکز خود را از دیپلماسی سنتی به سمت بهره‌برداری راهبردی از ابزارهای نوین ارتباطی در راستای اهداف ژئوپلیتیک سوق داد. دیپلماسی

1 Department of Press, Communication and Public Diplomacy

2 Chinese People's Association for Friendship with Foreign Countries (CPAFFC)

3 China Radio International

4 good neighbor policy

5 Asian Infrastructure Investment Bank

دیجیتال که در ابتدا به مثابه ابزار مکملی برای پوشش رسانه‌ای سیاست خارجی پکن در سطح بین‌المللی تلقی می‌شد، به‌ویژه با روی کار آمدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳، در قالب «روایت‌سازی راهبردی» در سیاست خارجی چین جایگاهی ویژه یافت. در این میان، منطقه شرق آسیا، در مرکز راهبردهای دیپلماسی دیجیتال چین قرار دارد. این منطقه از نظر اقتصادی، مهم‌ترین شریک تجاری چین محسوب می‌شود و رشد اقتصادی پایدار چین وابسته به ثبات و امنیت در این منطقه است. همچنین حضور فعال ایالات متحده و متحدان آن در ساختار امنیتی منطقه، همسایگی تاریخی و اشتراکات فرهنگی، توسعه نفوذ در این منطقه را برای چین ضروری می‌سازد. علاوه بر این، مناقشات ارضی و دریایی چین با برخی از کشورهای منطقه، نیاز به مدیریت افکار عمومی و ارائه روایت‌های مطلوب چین از این اختلافات را افزایش می‌دهد (ژائو، ۲۰۲۳: ۶-۷).

اهداف دیپلماسی دیجیتال چین

چین از دیپلماسی دیجیتال به‌عنوان ابزاری راهبردی برای دستیابی به اهداف چندلایه‌ای در شرق آسیا بهره می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین اهداف، برندسازی ملی و مقابله با کلیشه‌های منفی موجود در افکار عمومی کشورهای منطقه به‌ویژه ژاپن و کره جنوبی است؛ کشورهایی که به دلیل تنش‌های تاریخی، دیدگاهی منفی نسبت به چین دارند. برای نمونه، نظرسنجی‌ها در سال ۲۰۲۱ نشان داده‌اند که بیش از نیمی از جوانان کره‌ای به دلیل نگرانی‌های حقوق بشری و گذشته تاریخی، نگاه منفی به چین دارند (کیم و لی، ۲۰۲۱: ۴۳). در پاسخ به این مسئله، چین از طریق انتشار محتوای فرهنگی و اقتصادی مثبت در رسانه‌های دیجیتال، تلاش می‌کند تصویر خود را به‌عنوان یک قدرت صلح‌طلب و مسئول در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بازسازی کند. همچنین، با تکیه بر پروژه‌هایی نظیر «ابتکار کمربند و جاده» و «مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای»، چین به دنبال تعمیق روابط اقتصادی و فرهنگی با کشورهای عضو آسه‌آن و تثبیت جایگاه خود به‌عنوان شریک راهبردی این کشورها است (لی، ۲۰۲۰: ۹۰).

افزون بر این، چین در قالب دیپلماسی دیجیتال، به مدیریت روایت‌های ژئوپلیتیکی حساس مانند مناقشات دریای جنوبی و مسأله تایوان پرداخته و تلاش دارد گفتمان‌های منطقه‌ای را به نفع خود شکل دهد. این کشور با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بومی و بین‌المللی، روایت‌هایی مانند

«چین واحد» را تقویت کرده و سعی کرده تایوان را در انزوای دیپلماتیک قرار دهد. همچنین، با انتشار پیام‌هایی در حمایت از کره شمالی، نقش خود را به‌عنوان متحد اصلی این کشور تثبیت کرده است (چن، ۲۰۲۲: ۵۷). در کنار این اهداف، دیپلماسی دیجیتال چین به‌طور مستقیم برای مقابله با نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه طراحی شده است؛ به‌گونه‌ای که بخش زیادی از محتوای رسانه‌های اجتماعی این کشور به انتقاد از سیاست‌های آمریکا، به‌ویژه در موضوعاتی چون هنگ کنگ و سین کیانگ، اختصاص دارد (کاستر و دیگران، ۲۰۱۸: ۲۶).

راهبردهای دیپلماسی دیجیتال چین

چین طی یک دهه اخیر با اتخاذ راهبردهای متنوع دیپلماسی دیجیتال، نفوذ خود را در شرق آسیا، به‌ویژه در میان کشورهای آسه‌آن، به‌طرز چشمگیری افزایش داده است. این راهبردها با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر کشور طراحی شده‌اند و امکان شکل‌دهی پیش‌دستانه به روایت‌های منطقه‌ای را برای چین فراهم کرده‌اند (ژائو، ۲۰۲۰: ۴). از جمله این راهبردها، بهره‌گیری از تحلیل کلان‌داده‌ها برای سنجش افکار عمومی در پلتفرم‌هایی چون «کاکائوتاک» و «لاین» است که به تنظیم پیام‌های دیپلماتیک متناسب با شرایط محلی کمک می‌کند (هوانگ و وانگ، ۲۰۲۰: ۶۸). همچنین، چین از طریق دیپلماسی رسانه‌های اجتماعی و بومی‌سازی محتوا، موفق شده است تعاملات دیجیتال با برخی کشورها را افزایش دهد (هوانگ، ۲۰۲۱: ۱۰۴). این در حالی است که در تایلند و ویتنام، محتوای رسانه‌ای با توجه به زمینه‌های اقتصادی یا مناقشات سیاسی تنظیم شده است (ژائو، ۲۰۲۰: ۱۵).

علاوه بر این، چین از ابزارهای فرهنگی مانند مؤسسات کنفوسیوس برخط و پلتفرم‌هایی چون iQiyi برای ترویج یک روایت فرهنگی ترکیبی از سنت و فناوری استفاده می‌کند (هوانگ، ۲۰۲۱: ۶۷-۷۰). در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نیز از طریق ارسال واکسن و به اشتراک‌گذاری اطلاعات سلامت، تلاش شد تصویر عمومی چین بهبود یابد (ژانگ، ۲۰۲۲: ۲۲). پروژه‌هایی همچون «جاده ابریشم دیجیتال» با هدف توسعه زیرساخت‌های فناوری و ترویج استانداردهای چینی نیز به عنوان بازوی اقتصادی و ژئوپلیتیکی دیپلماسی دیجیتال عمل کرده‌اند (ژانگ، ۲۰۲۲: ۱۸). افزون بر آن، دیپلماسی دیجیتال نخبگان از طریق نشست‌ها و ارتباطات مجازی میان رهبران

سیاسی و نهادهای دولتی گسترش یافته است. چین با بهره‌گیری هم‌زمان از پلتفرم‌های بومی مانند «وی‌چت» و «ویبو» و پلتفرم‌های منطقه‌ای نظیر «لاین» و «کاکائوتاک» توانسته دامنه نفوذ خود را گسترش داده و محدودیت‌های نظارتی را دور بزند (ژائو، ۲۰۲۳: ۶). همکاری با شرکت‌های فناوری بزرگ مانند هواوی و تنسنت نیز نقش کلیدی در تحکیم جایگاه فناوری و اقتصادی چین در منطقه ایفا کرده، هرچند با انتقاداتی نیز همراه بوده است (هوانگ و وانگ، ۲۰۲۰: ۷۵).

علی‌رغم موفقیت‌هایی که راهبرد دیجیتال دستگاه دیپلماسی چین در منطقه برای این کشور در پی داشته است؛ دیپلماسی دیجیتال چین با چالش‌هایی نیز مواجه است. با وجود اقدامات صورت گرفته، شهروندان کشورهایی چون ژاپن و کره جنوبی همچنان نسبت به دولت چین و اقداماتش بی‌اعتماد هستند. نتایج نظرسنجی‌های صورت گرفته در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که ۷۵ درصد جامعه ژاپن و ۶۵ درصد از مردم کره نگرش منفی به چین دارند (چن، ۲۰۲۲: ۶۳).

علاوه بر این، نگرانی درباره امنیت داده‌ها برخی کشورها مانند مالزی را بر آن داشته تا در پروژه‌های مشترک با چین مانند توسعه زیرساخت‌های اینترنت نسل پنجم توسط شرکت «هواوی» تجدیدنظر کنند و روند آن را با اختلال مواجه سازند (هوانگ و وانگ، ۲۰۲۰: ۷۵). در کنار این موارد، اتهاماتی نظیر استفاده از ربات‌های خودکار و اطلاعات گمراه‌کننده در برخی کشورها از جمله فیلیپین و ویتنام نیز اعتبار دیپلماسی دیجیتال چین را زیر سؤال برده است (چن، ۲۰۲۲: ۶۱). با وجود این چالش‌ها چین، با بازنگری مستمر در ابزارها و روایت‌های خود، پیوسته به دنبال تقویت برند ملی به واسطه افزایش قدرت نرم دیجیتال خود است.

امروزه دیپلماسی سنتی بیش از هر زمان دیگر تحت تأثیر انقلاب دیجیتال قرار گرفته است. در این میان، جمهوری خلق چین، با درک ژرف از ماهیت تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل و با هدف تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت فرهنگی-سیاسی، طی یک دهه گذشته سرمایه‌گذاری قابل توجهی در ابزارها، بسترها و گفتمان‌های دیجیتال انجام داده است.

خاطر نشان می‌سازد، اتخاذ این راهبردها و شرایط اجرای آن در اندرکنش با نیروهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شرق آسیا، منجر به تحولات پیوسته و دامنه‌داری شده است که می‌توانیم آنها را تحت عنوان «روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا» تفسیر و جمع‌بندی کنیم.

روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا

شرق آسیا به عنوان یکی از مهم ترین اهداف سیاست خارجی چین، کانون این تحولات بوده است. تنوع فرهنگی، رقابت های ژئوپلیتیک و نقش پررنگ فناوری در جوامع شرق آسیا، دیپلماسی دیجیتال را به ابزاری ضروری برای چین در این منطقه تبدیل کرده است. اگرچه ابزارهای این نوع دیپلماسی، از رسانه های اجتماعی تا هوش مصنوعی را شامل می شوند، اما مهم تر از ابزارها، روندهای پنهان در سیاست گذاری، گفتمان و نهادسازی ها هستند که آینده دیپلماسی دیجیتال چین را شکل می دهند. در چنین بستری، تحلیل روندهای کلیدی در دیپلماسی دیجیتال چین علاوه بر آنکه ابزاری برای فهم بهتر سیاست خارجی معاصر چین به شماره می رود؛ در پیش بینی رفتار این کشور در رقابت های آینده منطقه ای نیز حائز اهمیت است.

بر اساس فرایند تحلیل مضمون اسناد مرتبط با سیر تاریخی، راهبردهای دیپلماسی دیجیتال چین، رویدادها و اطلاعات در دسترس، مضامین فرعی و اصلی (روندها) احصا شده در قالب جدول ۱ قابل مشاهده هستند.

جدول ۱. روندهای استخراج شده از تحلیل مضمون اسناد

ردیف	روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا (مضمون اصلی)	مضامین فرعی	شواهد و اسناد
۱	رشد فزاینده روایت سازی دیجیتال چین در شرق آسیا	- تولید محتوای بومی شده و چندزبانه - کمپین های ویدیویی مانند «چین زیبا» - همکاری با اینفلوئنسرهای محلی	- «کمپین «چین زیبا» با ویدیوهای بومی شده در یوتیوب و ویبو، تلاشی برای ساخت تصویر آرام و فرهنگی از چین است (شبکه تلویزیون چین) - همکاری چین با اینفلوئنسرهای کی پاپ برای نفوذ فرهنگی در کره (وانگ، ۲۰۲۱: ۱۰۴) - نشر میم های دیجیتال در نقد حضور ناتو در آسیا (مرکز ویلسون، ۲۰۲۳)
۲	افزایش شبکه سازی میان نخبگان	- تأسیس و توسعه اتحادیه	- پلتفرم «ایکس شوئه تونگ» با

ردیف	روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا (مضمون اصلی)	مضامین فرعی	شواهد و اسناد
	و دانشگاهیان منطقه شرق آسیا	دانشگاه‌های آسیایی - برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های مجازی مشترک - برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو	بیش از ۸۰ میلیون کاربر آسیایی (اریک، ۲۰۲۳: ۶) - برگزاری نشست‌های سیاستی مشترک بین دانشگاه پکن و اندونزی درباره دیپلماسی دیجیتال (شینخوا، ۲۰۲۳)
۳	گسترش نهادهای فرهنگی و آموزشی دیجیتال چین در شرق آسیا	- راه‌اندازی شعب آنلاین مؤسسات کنفوسیوس - پلتفرم‌های آموزش فرامرزی (XuetangX, Chinaculture.org) - جشنواره‌ها و دوره‌های فرهنگی - دیجیتال با همکاری یونسکو	- پلتفرم «فرهنگ چین» ^۱ دوره‌های آشپزی، هنر و موسیقی سنتی را به زبان‌های محلی در اختیار کاربران آسه‌آن قرار می‌دهد (ای‌سی‌سی، ۲۰۲۳) - تور مجازی معابد تاریخی چین در همکاری با گوگل (گوگل آرت، ۲۰۲۲)
۴	افزایش سهم شرکت‌های فناوری چینی در دیپلماسی دیجیتال این کشور	- مشارکت هوای در پروژه‌های زیرساخت دیجیتال (5G-6G) - خدمات ابری و آموزشی - علی‌بابا در کشورهای آسه‌آن - تحلیل احساسات و کلان‌داده توسط تنسنت و بایت‌دنس	- هوای با سرمایه‌گذاری روی 6G در تایلند، نفوذ فناورانه چین را گسترش داده است - علی‌بابا با وزارت فرهنگ مالزی پلتفرم آموزش چندزبانه توسعه داد - علی‌بابا با وزارت فرهنگ مالزی پلتفرم آموزش چندزبانه توسعه داد (علی‌بابا، ۲۰۲۳) - تحلیل احساسات کاربران فیلیپینی و اندونزیایی توسط شرکت‌های چینی (تایمز، ۲۰۲۳)

بر این اساس، در ادامه روندهای دیپلماسی دیجیتال چین در شرق آسیا و سطوح هر کدام تحلیل و تبیین می‌گردد.

1 Chinaculture.org

رشد فزاینده روایت‌سازی دیجیتال چین در شرق آسیا

در سال‌های اخیر، چین با سرمایه‌گذاری گسترده در شبکه‌های اجتماعی داخلی و بین‌المللی، به‌طور فزاینده‌ای «روایت‌سازی دیجیتال»^۱ را در شرق آسیا تقویت کرده است. در سال‌های اخیر، پلتفرم‌هایی مانند وی‌چت، ویبو و دویین^۲ (نسخه چینی تیک‌تاک) به‌سرعت در سراسر شرق آسیا رشد کرده‌اند و مخاطبان بسیاری را در منطقه به خود جذب کرده‌اند. بنا بر گزارش مرکز اطلاعات شبکه اینترنت چین^۳، تعداد کاربران فعال «وی‌چت» تا پایان سال ۲۰۲۳ از مرز ۱٫۳ میلیارد نفر گذشت که رشد سالانه بیش از ۴ درصد را نشان می‌دهد (مرکز اطلاعات شبکه اینترنت چین، ۲۰۲۴).

چین برای افزایش تأثیرگذاری روایت‌های خود، با اینفلوئنسرهای محلی در کره جنوبی، ژاپن و کشورهای آسه‌آن همکاری می‌کند. به عنوان مثال، شرکت‌های چینی به‌واسطه همکاری با اینفلوئنسرهای «کی‌پاپ»^۴ کره جنوبی، به دنبال بازدید بیشتر محتوای برند خود هستند (وانگ، ۲۰۲۱: ۱۰۴). علاوه بر این، خبرگزاری‌های دولتی چین نیز در صفحات رسمی خود در پلتفرم‌هایی مانند «دویین» با استفاده از ویدئوهای کوتاه، تصاویر پرانرژی و روایت‌های ملی‌گرایانه درصد برقراری ارتباط موثر با مخاطبان جوان شرق آسیا هستند (شو و همکاران، ۲۰۲۳: ۷).

صفحات رسمی دولت چین در پلتفرم ایکس و فیس‌بوک، پیام‌های خود را به زبان‌هایی از قبیل اندونزیایی، مالایایی و تایلندی منتشر می‌کند تا با مخاطبان خود در منطقه تعامل بیشتری داشته باشد. علاوه بر این، چین از صفحات خود برای مدیریت بحران‌های روایی استفاده می‌کند (ژانگ و وو، ۲۰۲۱: ۴۱).

افزایش شبکه‌سازی میان‌نخبگان و دانشگاهیان منطقه شرق آسیا

در دهه اخیر، چین به‌عنوان قدرت نوظهور آسیایی، توجه ویژه‌ای به بسط شبکه‌های همکاری علمی در سطح منطقه‌ای داشته و این هدف را با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، به‌صورت فزاینده‌ای دنبال کرده است. ظهور این روند به‌طور جدی از سال ۲۰۱۵ و با راه‌اندازی «شبکه دانشگاه‌های جاده ابریشم»^۵ آغاز شد. این پویش، بستری برای برگزاری کنفرانس‌های مشترک،

1 Digital Narrative-Building

2 Douyin

3 CNNIC

4 K-pop

5 University Alliance of the Silk Road (UASR)

برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو، توسعه آموزش مجازی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی چندجانبه است (شبکه دانشگاه‌های جاده ابریشم، ۲۰۲۴).

در سال ۲۰۱۷، دانشگاه ملی «تسینگ‌هوآ»^۱ با مشارکت ۱۴ دانشگاه برجسته از شرق و جنوب شرقی آسیا، «اتحادیه دانشگاه‌های آسیا و اقیانوسیه»^۲ را تأسیس کرد. این ابتکار با تأکید بر «دیپلماسی علمی آسیا محور»، همکاری‌های گسترده‌ای را در حوزه‌هایی همچون انرژی، سلامت، هوش مصنوعی و محیط زیست به دنبال داشت (دانشگاه تسینگ‌هوآ، ۲۰۲۵). این اتحادیه‌ها بستری بودند که امکان سازمان‌دهی تعاملات علمی در سطح نهادی را فراهم ساختند.

تعطیلی دانشگاه‌ها و لغو سفرهای علمی در ناشی از همه‌گیری ویروس کوید ۱۹ در سال ۲۰۲۰، این روند را وارد دوره جدیدی کرد و موجب شد که تعاملات علمی از کانال‌های فیزیکی به محیط دیجیتال منتقل گردد. آمارها نشان می‌دهد که تعداد نشست‌های برخط بین دانشگاه‌های چین و کشورهای آسیه‌آن، در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ بیش از ۳ برابر شده است (اریک، ۲۰۲۳: ۶).

ابزارهایی مانند «زوم»^۳ گوگل، «تنست میتینگ»^۴ و پلتفرم‌های آموزش از راه دور مانند «شوئه‌تانگ ایکس»^۵ به تسهیل این تعاملات کمک شایانی کرده‌اند. پلتفرم «شوئه‌تانگ ایکس» که توسط دانشگاه تسینگ‌هوآ راه‌اندازی شده؛ در سال‌های اخیر نقش پررنگی در آموزش فرامرزی ایفا کرده است. این پلتفرم مطابق آمار اعلامی تا پایان سال ۲۰۲۲ بیش از ۶ هزار دوره آموزشی ارائه کرده است و بیش از ۸۰ میلیون کاربر از سراسر آسیا در آن ثبت نام کرده‌اند. چین از طریق ایجاد و مدیریت این پلتفرم‌ها و ابتکاراتی مانند جاده ابریشم دیجیتال آموزشی، فضای مشارکت علمی با کشورهای همسایه را نیز تقویت کرده است (اریک، ۲۰۲۳).

این روند نه تنها تقویت پیوندهای دانشی میان دانشگاه‌ها و نخبگان شرق آسیا را در پی دارد؛ بلکه به عنوان ابزاری راهبردی برای ترویج تصویر چین به عنوان یک کشور با رتبه بالای علمی در منطقه تلقی می‌گردد. انتظار می‌رود با ظهور فناوری‌هایی مانند واقعیت مجازی و پلتفرم‌های تعاملی هوش مصنوعی، عمق و برد این شبکه‌سازی در سال‌های آتی افزایش یابد.

1 National Tsing Hua University

2 Association of the Universities of Asia and the Pacific

3 Zoom

4 Tencent Meeting

5 XuetangX

گسترش نهادهای فرهنگی و آموزشی دیجیتال چین در شرق آسیا

در دو دهه اخیر، چین به موازات توسعه قدرت سخت اقتصادی و نظامی، راهبردی چندوجهی برای تقویت قدرت نرم فرهنگی و آموزشی خود در دستور کار قرار داده است. یکی از محورهای کلیدی این راهبرد، گسترش نهادهای فرهنگی و آموزشی دیجیتال در منطقه شرق آسیاست. مهم ترین ابزار این راهبرد، مؤسسات کنفوسیوس است که از سال ۲۰۰۴ به بعد به سرعت در کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا گسترش یافته‌اند و نقش محوری در آموزش زبان چینی، ترویج فرهنگ و تاریخ چین و برگزاری رویدادهای فرهنگی ایفا می‌کنند. به طوری که تنها در منطقه شرق آسیا، تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۲۰ شعبه فعال مؤسسات کنفوسیوس تأسیس شده است (هوانگ، ۲۰۲۱: ۶۹).

هم‌زمان با توسعه این نهادهای حضوری-مجازی، دولت چین در سال ۲۰۲۰ پلتفرم «آموزش هوشمند چین»^۱ را راه‌اندازی کرد که مجموعه‌ای از دوره‌های آموزش عمومی، حرفه‌ای و دانشگاهی را به زبان چینی و انگلیسی به مخاطبان بین‌المللی به خصوص مخاطبان منطقه‌ای عرضه می‌کند. این پلتفرم تا پایان سال ۲۰۲۲ بیش از ۸ میلیون کاربر فعال داشته و از سوی یونسکو، برنده جایزه نوآوری در حوزه فناوری اطلاعات در آموزش شد. این پلتفرم که دانشگاه‌های برجسته چین از جمله «تسینگ‌هوا»، «فودان»^۲ و «شی‌آن»^۳ تولید محتوا و ارائه دوره‌های آموزشی برخط به زبان دوم را در آن به‌عهده دارند؛ به بستری برای تعامل میان دانشگاه‌های شرق آسیا بدل شده است (یونسکو، ۲۰۲۳).

علاوه بر این، در سال‌های اخیر مراکز فرهنگی چین نیز در کشورهای شرق آسیا مانند اندونزی، تایلند، مالزی و کره جنوبی، به برگزاری رویدادهای فرهنگی برخط، آموزش موسیقی سنتی، خوشنویسی و نمایش دیجیتال میراث فرهنگی این کشور مبادرت می‌ورزند. به عنوان مثال، برخی از این مراکز با همکاری مؤسسه جهانی میراث فرهنگی یونسکو دوره‌هایی مجازی برای آموزش چگونگی حفاظت از میراث فرهنگی در قالب دوره‌های تعاملی با کشورهای منطقه برگزار کرده‌اند (گزارش سالانه آسه‌آن، ۲۰۲۴: ۲۲).

1 Smart Education Platform of China

2 Fudan University

3 Xi'an University

ابتکار «جاده ابریشم دیجیتال» نیز به گسترش نهادهای فرهنگی و آموزشی دیجیتال چین در منطقه شرق آسیا کمک کرده است. در چهارچوب این پروژه، چین از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال، توسعه پلتفرم‌های آموزش از راه دور، انتقال فناوری و همکاری با نهادهای آموزشی آسه‌آن، الگوی نوینی از حکمرانی آموزشی دیجیتال را در منطقه ایجاد کرده است (مؤسسه مطالعات راهبردی چین-آسه‌آن، ۲۰۲۴: ۲).

در مجموع، می‌توان گفت که چین با طراحی زیرساخت‌های فرهنگی_آموزشی دیجیتال و تلفیق آن با اهداف ژئوپلیتیکی، در حال نهادینه‌سازی نوعی قدرت نرم فناورانه^۱ است که در آن آموزش و فرهنگ، به جای ابزارهای کلاسیک، بر بسترهای هوشمند و پلتفرم‌های منطقه‌ای منتقل می‌شوند.

افزایش سهم شرکت‌های فناوری چینی در دیپلماسی دیجیتال این کشور

در فرآیند تحول دیپلماسی دیجیتال جمهوری خلق چین، یکی از روندهای برجسته، افزایش نقش و سهم شرکت‌های فناوری بزرگ چینی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور در سطح منطقه‌ای، به‌ویژه در شرق و جنوب شرقی آسیا است. برخلاف تصور رایج که دیپلماسی دیجیتال را تنها به فعالیت‌های رسانه‌ای رسمی یا تلاش‌های وزارت خارجه محدود می‌داند؛ چین از ظرفیت شرکت‌هایی چون «هوای»، «علی‌بابا»، «تسنس» و «بایت‌دنس» بهره گرفته تا قدرت نرم خود را در بستری مبتنی بر فناوری‌های نوظهور و اقتصاد فناوری گسترش دهد (لی، ۲۰۲۲: ۶۱).

سیر تاریخی این تحول را می‌توان از ابتدای دهه ۲۰۱۰ با آغاز ابتکار «جاده ابریشم دیجیتال» دنبال کرد. در این چارچوب، دولت چین با ارائه مشوق‌های مالی و سیاسی، شرکت‌های فناوری را ترغیب به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال کشورهای آسه‌آن کرد (ژائو و وانگ، ۲۰۲۱: ۴۴). این راهبرد نه تنها وابستگی کشورهای آسه‌آن در حوزه فناوری به چین را افزایش داد؛ بلکه نقش این شرکت‌ها را به عنوان بازوی اجرایی سیاست خارجی چین، پررنگ کرده است (دیپلماسی مدرن، ۲۰۲۵).

امروزه، «علی‌بابا کلود»^۲ با راه‌اندازی مراکز داده در تایلند و اندونزی، درصدد توسعه زیرساخت ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های دیجیتال منطقه شرق آسیا برآمده است. این مراکز،

1 Technologized soft power

2 Alibaba Cloud

ضمن کارآفرینی و جذب استارت‌آپ‌ها، ابزارهایی برای الگوریتم‌های تحلیل افکار عمومی دیجیتال نیز فراهم کرده‌اند که دولت چین از آن، برای شناخت بهتر افکار عمومی منطقه استفاده می‌کند (چن و لیو، ۲۰۲۱: ۷۵).

دیپلماسی عمومی و دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا

دیپلماسی عمومی ایران در غرب آسیا از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون، به‌عنوان ابزاری راهبردی برای گسترش نفوذ و قدرت نرم مورد استفاده قرار گرفته است. این سیاست بر سه رکن اساسی تکیه دارد: ترویج آموزه‌های انقلاب اسلامی، گسترش زبان و فرهنگ فارسی، و توسعه رسانه‌های فراگیر. در دهه نخست انقلاب، ایران با صدور آرمان‌های انقلابی و حمایت از جنبش‌های اسلامی مانند لبنان و بحرین، سازماندهی نشست‌های فرهنگی و راه‌اندازی رسانه‌هایی چون «صدای جمهوری اسلامی» تلاش کرد نفوذ منطقه‌ای خود را تثبیت کند (دهشیری، ۱۳۹۹؛ صحرائی و شرفی‌نژاد، ۱۴۰۲). با وجود موفقیت‌هایی در میان جوامع شیعه، تمرکز ایدئولوژیک شیعی، تأثیرگذاری بر جوامع سنی و غیرمذهبی را محدود کرد (Bullock, 2016).

در دوران پس از جنگ، تمرکز بر بازسازی و نهادینه‌سازی دیپلماسی عمومی با تأسیس نهادهایی چون «دانشگاه المصطفی» و «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» ادامه یافت (صادقی، ۱۳۹۹). دولت اصلاحات با راه‌اندازی شبکه العالم و گسترش مراکز فرهنگی در منطقه، وجهه رسمی‌تری به این سیاست داد (دهشیری، ۱۴۰۰). دهه ۱۳۸۰ با افزایش فشارهای خارجی و حضور آمریکا در منطقه، موجب گرایش ایران به دیپلماسی رسانه‌ای و دیجیتال شد. راه‌اندازی شبکه پرس‌تی‌وی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط مقامات ایرانی برای مقابله با روایت‌های غربی از جمله اقدامات مهم این دوره بود (رضایی، ۱۴۰۳)، گرچه محدودیت‌های داخلی مانند فیلترینگ مانعی در برابر گسترش این سیاست‌ها شد (شاکری، ۱۳۹۹).

در سال‌های پس از برجام، ایران با بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال مانند تلگرام و اینستاگرام، کمپین‌های هدفمندی نظیر کارزار دیجیتال اربعین را طراحی کرد (صادقی، ۱۳۹۹). خروج آمریکا از توافق و تشدید تحریم‌ها، موجب نزدیکی بیشتر ایران به شرکای شرقی شد (احمدیان، ۲۰۲۰). در همین راستا، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات با هدف کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی و

ادامه دیپلماسی پزشکی و ورزشی نیز به تقویت اعتماد عمومی و مشروعیت منطقه‌ای ایران کمک کرده است (درج، ۱۴۰۲؛ طحان و همکاران، ۱۴۰۴). این روند نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی و دیجیتال ایران با وجود چالش‌های بین‌المللی و داخلی، همچنان به‌عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر برای حفظ و توسعه نفوذ منطقه‌ای به کار گرفته می‌شود.

اهداف دیپلماسی عمومی و دیجیتال جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی عمومی ایران در غرب آسیا با هدف **تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای** و مقابله با رقبای غربی و منطقه‌ای، بر پایه پیوندهای فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی با کشورهای منطقه شکل گرفته است. حضور قابل توجه جوامع شیعه در عراق، لبنان و بحرین و تضادهای ساختاری با قدرت‌هایی چون ایالات متحده، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، این منطقه را به اولویت راهبردی سیاست خارجی ایران تبدیل کرده است (دهشیری، ۱۳۹۹: ۳۵). در کنار این عوامل، تحولات ژئوپلیتیکی نظیر افول پان‌عریسم و گسترش نفوذ چین و روسیه، فرصت‌هایی را برای ایران ایجاد کرده‌اند؛ اگرچه تحریم‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای، موانعی در مسیر این دیپلماسی ایجاد کرده‌اند.

از جمله اهداف کلیدی دیپلماسی عمومی ایران، **مقابله با روایت‌های منفی و برندسازی ملی** است. رسانه‌هایی چون العالم و پرس‌تی‌وی با تمرکز بر مسائل فلسطین و یمن تلاش کرده‌اند تصویری از ایران به‌عنوان حامی عدالت و مقاومت در برابر سلطه غرب ارائه دهند (مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، ۲۰۱۹). هم‌زمان، ایران با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی چون زبان فارسی و هنرهای سنتی، در پی **تعمیق پیوندهای فرهنگی با جوامع شیعه و حتی غیر شیعه**، نظیر کردها و سنی‌ها، به‌ویژه در عراق و لبنان بوده است. ابزارهای دیجیتال نیز در **مدیریت روایت‌های حساس**، مانند نقش ایران در موضوع فلسطین یا راهپیمایی اربعین، نقش مهمی ایفا کرده‌اند (صادقی، ۱۳۹۹: ۸۵).

در نهایت، ایران تلاش دارد از طریق تولید محتوای دیجیتال و حمایت از اینفلوئنسرهای بومی در کشورهای هدف، **نفوذ رقبای منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی و ترکیه**، و قدرت‌های جهانی مانند آمریکا را محدود کند. در مقابل، رقبای منطقه‌ای نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشابه در میدان

نبرد روایت‌ها فعال هستند؛ چنان‌که کمپین‌های دیجیتال عربستان در سال ۲۰۲۳، تنها در پلتفرم اکس (توییتر سابق)، بیش از ۵۰ میلیون تعامل ایجاد کرده‌اند (The Conversation, 2024). این رقابت رسانه‌ای و دیجیتال نشانگر جایگاه حیاتی نبرد روایت‌ها در دیپلماسی عمومی منطقه‌ای است.

آسیب‌شناسی دیپلماسی عمومی و دیجیتال جمهوری اسلامی ایران

ایران در راستای پیشبرد دیپلماسی عمومی و دیجیتال در غرب آسیا، مجموعه‌ای از راهبردهای متنوع را به کار گرفته که تلفیقی از ابزارهای سنتی و نوین دیجیتال را دربرمی‌گیرد. یکی از مهم‌ترین این ابزارها، **دیپلماسی رسانه‌های اجتماعی** است؛ وزارت امور خارجه و نهادهای فرهنگی با فعالیت در پلتفرم‌هایی چون اکس، اینستاگرام و تلگرام، افکار عمومی جوامع هدف را نشانه گرفته‌اند. به‌ویژه کمپین‌های دیجیتال اربعین در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ با بیش از ۱۰ میلیون بازدید، موفقیت بالایی در میان جوامع شیعه منطقه داشته‌اند (صادقی، ۱۳۹۹: ۹۲).

دیپلماسی شهروندی از طریق اینفلوئنسرها از دیگر راهبردهای مؤثر ایران بوده است؛ جمهوری اسلامی با حمایت از اینفلوئنسرهای بومی در کشورهای عراق، لبنان و یمن، پیام‌های خود را به‌صورت غیرمستقیم و بومی‌سازی‌شده منتقل می‌کند. نمونه آن، انتشار ویدئوهای فعالان دیجیتال عراقی در سال ۱۴۰۰ درباره نقش ایران در مبارزه با داعش است که به بازنمایی مثبت از ایران انجامید (دهشیری، ۱۳۹۹: ۴۸). همچنین، **دیپلماسی فرهنگی دیجیتال** با تولید محتواهایی نظیر پادکست و ویدئوهای آموزشی درباره تاریخ و تمدن ایرانی-اسلامی، بر ارزش‌های مشترک مانند عدالت خواهی تأکید داشته و به تقویت پیوندهای فرهنگی در کشورهای مانند عراق و بحرین کمک کرده است.

در کنار این اقدامات، **رسانه‌های برون‌مرزی** مانند العالم و پرس‌تی‌وی با تولید محتوای چندرسانه‌ای درباره موضوعاتی چون فلسطین و یمن، نقش مهمی در روایت‌سازی ایفا کرده‌اند. این شبکه‌ها در سال ۱۴۰۰ بیش از ۵ میلیون بازدید ماهانه در یوتیوب ثبت کرده‌اند (دهشیری، ۱۳۹۹: ۴۸)، که نشان‌دهنده تأثیرگذاری آنها در مقابله با روایت‌های منفی غربی و بازنمایی دیدگاه رسمی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

با وجود اینکه تلاش‌های صورت گرفته در حوزه دیپلماسی عمومی در تقویت نفوذ ایران در جوامع شیعه مؤثر بوده است؛ دیپلماسی دیجیتال ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که اثربخشی آن را محدود کرده‌اند. تحریم‌های فناوری، دسترسی به ابزارهای پیشرفته تحلیل داده و تبلیغات دیجیتال را دشوار کرده‌اند. به عنوان مثال، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، ایران را از بهره‌گیری از الگوریتم‌های تبلیغاتی پلتفرم‌های جهانی مانند یوتیوب محروم ساخته است (شاکری، ۱۳۹۹: ۷۸). علاوه بر این، فیلترینگ داخلی پلتفرم‌هایی مانند اکس نیز تعامل مستمر با مخاطبان منطقه‌ای و جهانی را مختل کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که فیلترینگ در سال ۱۴۰۱ بیش از ۷۰ درصد دسترسی کاربران ایرانی به پلتفرم‌های جهانی را کاهش داد (کانورسیشن، ۲۰۲۴).

ناهماهنگی نهادی میان وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت ارشاد که متولیان اصلی امر دیپلماسی هستند؛ به پراکندگی تلاش‌ها منجر شده و اثربخشی آن را کاهش داده است (حسن‌زاده و اکبری، ۱۴۰۲: ۶۵). تمرکز محدود بر مخاطبان غیرشیعه و گروه‌های قومی مانند جوامع سنی، کرد و ترک، یکی دیگر از موانع اصلی پیشبرد دیپلماسی دیجیتال جمهوری اسلامی ایران است. نظرسنجی‌های سال ۱۴۰۰ نشان داد که ۶۰ درصد مخاطبان عرب‌زبان در کشورهای خلیج فارس به دلیل تنش‌های سیاسی، نگرش منفی به ایران دارند. این بی‌اعتمادی، به‌ویژه در کشورهای سنی‌نشین مانند عربستان و اردن، مانع از گسترش نفوذ ایران شده است (صادقی، ۱۳۹۹: ۹۵).

رقابت با بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان سعودی که از زیرساخت‌های دیجیتال پیشرفته و محتوای چندزبانه بهره می‌برند، چالش دیگر پیش روی دستگاه دیپلماسی کشور ما است. به عنوان مثال ترکیه به واسطه سریال‌های تلویزیونی و همکاری با پلتفرم‌های پخش برخط جهانی مانند نتفلیکس، مخاطبان گسترده‌ای در منطقه جذب کرده است. علاوه بر این، کمبود نیروی متخصص در تحلیل داده‌های کلان و بازاریابی دیجیتال، توانایی ایران برای رصد و پاسخ به احساسات عمومی را تضعیف کرده است.

بررسی تطبیقی و ارائه راهکارهای پیشنهادی بر گرفته از تجربه دیپلماسی دیجیتال چین برای جمهوری اسلامی ایران

با توجه به روندهای دیپلماسی عمومی و دیجیتال چین در منطقه شرق آسیا و آسیب‌شناسی مختصر صورت گرفته درباره دیپلماسی عمومی و دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا، تلاش شده است تا تطبیق میان راهبردهای اتخاذ شده توسط چین و وضعیت ایران در این حوزه انجام گرفته و راهکارهای اجرایی مبتنی بر آنها پیشنهاد شود. جدول ۲ این انطباق را نشان می‌دهد:

جدول ۲. بررسی تطبیقی آسیب‌های دیپلماسی دیجیتال ایران، راهبردهای چینی و راهکارهای پیشنهادی

ردیف	آسیب‌های دیپلماسی دیجیتال ایران	راهبردهای دیپلماسی دیجیتال چین	راهکارهای پیشنهادی
۱	چندین نهاد مجزا از قبیل وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات، ارشاد و... متولی امر دیپلماسی	نهادسازی یکپارچه	ایجاد نهاد هماهنگ کننده امر دیپلماسی دیجیتال در راستای راهبرد نهادسازی یکپارچه
۲	ارائه محتوای عموماً عربی یا انگلیسی کلیشه‌ای و مرکزی؛ بومی‌سازی اندک	روایت‌سازی بومی	روایت‌سازی ملی-فرهنگی ویژه برای هر کدام از کشورهای منطقه
۳	تکیه بر نظرسنجی‌های پراکنده و گزارش‌های پژوهشی محدود	تحلیل و پایش داده	پایش و تحلیل داده‌های مرتبط با امر دیپلماسی عمومی
۴	عمدتاً اینستاگرام، تلگرام و اکس	تنوع پلتفرم‌ها	استفاده از راهبرد چندپلتفرمی با محتوای چندزبانه
۵	دوره‌های برخط پراکنده زبان و فرهنگ فارسی	دیپلماسی فرهنگی-آموزشی دیجیتال	ایجاد پلتفرم فرهنگی-آموزشی برخط بین‌المللی
۶	همکاری‌های موردی و کوچک با استارت‌آپ‌های ملی	مشارکت با بخش فناوری خصوصی	همکاری با شرکت‌های فناوری منطقه‌ای
۷	فقدان معیارهای کمی و کیفی برای سنجش اثربخشی کمپین‌های دیجیتال	پایش مداوم اثربخشی	پایش مداوم اثربخشی دیپلماسی دیجیتال از طریق تعریف شاخص‌های کلیدی عملکرد

در ادامه به شرح و بررسی هرکدام از راهکارها و راهبردهای متناظر آنها می‌پردازیم:

ایجاد نهاد هماهنگ کننده امر دیپلماسی دیجیتال در راستای راهبرد نهادسازی یکپارچه

چین با ایجاد نهادهای مرکزی مانند اداره فضای سایبری چین (CAC)، توانسته است هماهنگی بین سیاست‌گذاری، روایت‌سازی، زیرساخت دیجیتال و دیپلماسی فناورانه را در قالب یک ساختار منسجم و فرماندهی واحد محقق کند. در شرایطی که تعدد نهادهای متولی (مانند وزارت خارجه، ارشاد، سازمان فرهنگ و ارتباطات، صداوسیما و غیره) موجب پراکندگی، موازی‌کاری، و ضعف در انسجام راهبردی شده است، راهبرد نهادسازی یکپارچه چین در حوزه دیپلماسی دیجیتال می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای ایران باشد.

روایت‌سازی ملی-فرهنگی ویژه برای هرکدام از کشورهای منطقه

چین در چارچوب دیپلماسی دیجیتال خود، با تمرکز ویژه بر روایت‌سازی بومی شده برای کشورهای شرق آسیا، تلاش کرده است تا پیام‌های خود را نه صرفاً از منظر منافع ملی چین، بلکه در قالب گفتمان‌های همدلانه، فرهنگی و منطقه‌محور به مخاطبان منتقل کند. این رویکرد، بخشی از راهبرد کلان «قدرت نرم دیجیتال» چین است که با ترکیب فناوری، رسانه و روایت‌سازی هدفمند عمل می‌کند.

ایران می‌تواند با بهره‌گیری از روایت‌های بومی شده، پیام‌های دیپلماسی دیجیتال خود را در قالبی همدلانه، فرهنگی و منطبق با هویت و دغدغه‌های خاص هر کشور منطقه غرب آسیا بازتاب دهد؛ بدین صورت که به جای تأکید صرف بر مفاهیم ایدئولوژیک یا منافع ملی، بر ارزش‌های مشترک مانند مقاومت در برابر سلطه‌جویی، هویت اسلامی، همکاری منطقه‌ای، توسعه بومی و عدالت رسانه‌ای تمرکز کرده و این مفاهیم را از طریق زبان و رسانه‌های محلی، چهره‌های معتبر بومی، و روایت‌های نزدیک به زیست‌جهان مخاطبان منتقل کند. این رویکرد، امکان‌پذیری پذیرش روایت ایرانی را در جوامع منطقه افزایش داده و قدرت نرم دیجیتال ایران را تقویت می‌کند.

پایش و تحلیل داده‌های مرتبط با امر دیپلماسی عمومی

یکی از راهبردهای چین برای اشراف نسبت به وضعیت دیپلماسی عمومی این کشور در منطقه و جهان، بکارگیری سامانه‌های پیشرفته نظارت و تحلیل داده‌ها برای پایش افکار عمومی و احساسات است. شرکتهای فناوری چینی مانند TRS Big Data و WJMonitor حجم گسترده‌ای از داده‌ها را از شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و انجمن‌های عمومی جمع‌آوری کرده و با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، تحلیل احساسات (مثبت/منفی)، خوشه‌بندی رویدادها و فیلتر نویز انجام می‌دهند. این شرکت‌ها همچنین در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک با نهادهای بین‌المللی مانند BBC Monitoring و CASM Technology، سامانه‌های خودکاری را توسعه داده‌اند که پیام‌های دیپلماتیک را در چند زبان اصلی تحلیل و تأثیر آنها را بر افکار عمومی ارزیابی می‌کنند (Palit, 2024).

برای جمع‌آوری داده‌های مرتبط با دیپلماسی دیجیتال، از ابزارهای ردیابی تعاملات در پلتفرم‌های خارجی مانند اکس و فیسبوک استفاده می‌شود که دیپلمات‌های چینی در آنها فعال هستند. این ابزارها، واکنش‌های کاربران (لایک، اشتراک‌گذاری، نظرات) را جمع‌آوری و با تحلیل احساسات و شناسایی کلیدواژه‌ها، به تنظیم پیام‌های دیپلماتیک کمک می‌کنند. همچنین، داده‌های رسانه‌های خارجی، گفتگوهای عمومی و گزارش‌های رسمی در یک چارچوب یکپارچه ادغام می‌شوند تا تصویر جامعی از افکار عمومی و روندهای مرتبط ارائه شود (Miller, 2022).

برای پایش و تحلیل داده‌های دیپلماسی دیجیتال ایران در غرب آسیا، می‌توان با سامانه‌ها و ابزارهای تحلیل داده مبتنی بر فناوری هوش مصنوعی، احساسات، روایت‌ها و بازخوردهای کاربران عرب‌زبان در شبکه‌های اجتماعی مانند اکس، فیسبوک و یوتیوب را به صورت مستمر رصد کند. این سامانه با تلفیق داده‌های به دست آمده از رسانه‌های رسمی، گفتگوهای عمومی، و واکنش‌ها به پیام‌های دیپلماتیک، داشبوردی تحلیلی برای تصمیم‌گیران فراهم می‌سازد تا اثربخشی پیام‌ها و تحولات افکار عمومی در کشورهای هدف را ارزیابی و اصلاح کنند. بهره‌گیری از این دست ابزارها، به هماهنگی میان نهادهای متولی دیپلماسی عمومی کمک کرده و امکان تولید روایت‌های بومی‌سازی شده، شناسایی فرصت‌های نفوذ نرم و پاسخ به بحران‌های ادراکی را در سطح منطقه‌ای

فراهم می‌سازد. این رویکرد به ایران کمک می‌کند که پیام‌های خود را با حساسیت‌های فرهنگی و سیاسی منطقه هماهنگ کند و اثربخشی دیپلماسی دیجیتال خود را افزایش دهد.

استفاده از راهبرد چندپلتفرمی با محتوای چندزبانه

چین با بهره‌گیری از پلتفرم‌های متنوع مانند «وی‌چت»، «ویبو» و «دوین» و تولید محتوای چندزبانه، توجه گروه بزرگی از مخاطبان را در شرق آسیا به خود جذب کرده است. برای مثال، چین با همکاری اینفلوئنسرهای محلی، مانند ستارگان کی‌پاپ در کره جنوبی، محتوای بومی‌شده تولید می‌کند که با فرهنگ محلی همخوانی دارد (وانگ، ۲۰۲۱: ۱۰۴). ایران نیز می‌تواند با استفاده از پلتفرم‌های محبوب منطقه‌ای مانند تلگرام و اینستاگرام، محتوای چندزبانه به زبان‌های عربی، ترکی و کردی تولید کند. این محتوا می‌تواند بر عناصر فرهنگی مشترک مانند نوروز و همچنین ارزش‌های دینی تمرکز کند تا مخاطبان شیعه، سنی و گروه‌های قومی را جذب نماید (موسوی، ۱۴۰۳: ۶).

ایجاد پلتفرم فرهنگی-آموزشی بر خط بین‌المللی

راه‌اندازی مؤسسات کنفوسیوس برخط و ارائه تورهای مجازی از جاذبه‌های فرهنگی مانند دیوار بزرگ، به چین کمک کرد تا فرهنگ خود را در سطح جهانی ارائه کند. این پلتفرم‌ها با استفاده از فناوری‌های نوظهور مانند واقعیت مجازی، به‌ویژه برای نسل جوان، جذابیت دارند (یونسکو، ۲۰۲۳). از این رو ایران می‌تواند پلتفرم‌های دیجیتال مشابهی برای آموزش زبان فارسی، تاریخ ایران و هنر اسلامی-ایرانی ایجاد کند. برای مثال، ارائه تورهای مجازی از تخت جمشید، حرم امام رضا، یا موزه‌های ملی با استفاده از فناوری‌های واقعیت افزوده و مجازی می‌تواند جوانان منطقه را جذب کند.

همکاری با شرکت‌های فناوری منطقه‌ای

کشور چین با بهره‌گیری از ظرفیت‌های شرکت‌های فناوری مانند هواوی و علی‌بابا، به توسعه زیرساخت‌های دیجیتال خود را در شرق آسیا مبادرت ورزیده است (سان، ۲۰۲۱: ۱۱۲). ایران نیز می‌تواند با همکاری با شرکت‌های فناوری در کشورهای همسایه مانند ترکیه یا قطر، زیرساخت‌های دیجیتال و تولید محتوای مشترک را توسعه دهد. این همکاری‌ها می‌تواند وابستگی

ایران به پلتفرم‌های خارجی مانند یوتیوب را کاهش دهد و روابط منطقه‌ای را تقویت کند (احمدیان، ۲۰۲۰: ۷۸).

پایش مداوم اثربخشی دیپلماسی دیجیتال از طریق تعریف شاخص‌های کلیدی عملکرد

چین برای ارزیابی پیشرفت در دیپلماسی دیجیتال، از چارچوب‌های راهبردی داخلی بهره می‌گیرد که در قالب اسناد کلان مانند «راهبرد ملی فضای سایبری»، «برنامه پنج‌ساله توسعه فناوری اطلاعات»، و «ابتکار راه ابری دیجیتال» تدوین شده‌اند. این اسناد، اهداف کلیدی و حوزه‌های تمرکز چین را در عرصه دیپلماسی دیجیتال مشخص می‌کنند و مبنای طراحی شاخص‌های عملکرد کلیدی (KPIs) برای نهادهای مسئول، از جمله وزارت امور خارجه، وزارت صنعت و فناوری اطلاعات (MIIT)، و اداره فضای سایبری چین (CAC) هستند. شاخص‌هایی مانند تعداد توافق‌نامه‌های همکاری دیجیتال با کشورهای منطقه، گسترش زیرساخت‌های دیجیتال مانند شبکه‌های 5G و فیبر نوری، سطح نفوذ پلتفرم‌های فناوری چینی در بازارهای منطقه‌ای، و میزان اثرگذاری رسانه‌ها و پیام‌رسان‌های چینی در افکار عمومی کشورهای شرق آسیا، از جمله معیارهایی هستند که به‌طور دوره‌ای پایش می‌شوند. این رویکرد ساختاریافته، به دولت چین این امکان را می‌دهد تا با رصد مستمر و هدفمند، سیاست‌های خود را در حوزه دیپلماسی دیجیتال به‌روز کرده و اثربخشی آن را در سطح منطقه‌ای افزایش دهد.

تعریف شاخص‌های عملکرد کلیدی برای دیپلماسی دیجیتال ایران در غرب آسیا موجب شفاف‌سازی اهداف، پایش مستمر عملکرد، و اصلاح به‌موقع سیاست‌ها می‌شود و با تبدیل اهداف کلی به معیارهای سنجش‌پذیر، امکان ارزیابی دقیق میزان نفوذ دیجیتال ایران، هماهنگی میان نهادهای مسئول، و تقویت قدرت نرم و مشروعیت منطقه‌ای کشور را فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، دیپلماسی عمومی را از سطحی حاشیه‌ای به ابزاری راهبردی در رقابت‌های نرم و روایت‌محور میان دولت‌ها بدل ساخته

است. در این میان، دیپلماسی دیجیتال، به عنوان راهبردی جدید برای افزایش قدرت نرم، نقش فرایندهای در شکل دهی به افکار عمومی، برندسازی ملی و اعمال نفوذ ژئوپلیتیکی ایفا می‌کند. جمهوری خلق چین در یک دهه اخیر توانسته است با اتکا به راهبردهای چندوجهی، نهادسازی هدفمند، روایت‌سازی دیجیتال و بهره‌گیری از بسترهای فناورانه بومی، قدرت نرم خود را در منطقه شرق آسیا به نحو چشمگیری ارتقا دهد. چین با استفاده از ترکیبی از دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی نخبگان، دیپلماسی فرهنگی و زیرساختی، توانسته است از ابزارهای دیجیتال نه صرفاً برای بازنمایی خود، بلکه به مثابه ابزاری برای کنش فعال در معادلات منطقه‌ای بهره‌برداری کند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اگرچه جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های کم‌نظیری در حوزه قدرت نرم، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی، دینی، تمدنی و گفتمانی برخوردار است؛ اما بهره‌گیری راهبردی و منسجم از دیپلماسی دیجیتال در سطح منطقه‌ای، به‌ویژه در غرب آسیا، هنوز با موانع نهادی، فناورانه و سیاست‌گذاری مواجه است. ضعف در روایت‌سازی بومی، فقدان نهاد بالادستی متولی امر دیپلماسی دیجیتال، تکیه بر ابزارهای محدود ارتباطی و نداشتن تحلیل داده‌محور، از جمله چالش‌هایی است که اثربخشی قدرت نرم ایران را در بستر دیجیتال کاهش داده است.

مطالعه تطبیقی با الگوی چین نشان می‌دهد که بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های دیجیتال، روایت‌سازی فرهنگی و ژئوپلیتیکی متناسب با مخاطب و سرمایه‌گذاری در پلتفرم‌ها و نهادهای ارتباطی بومی، می‌تواند به ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در حوزه دیپلماسی دیجیتال یاری رساند. از این رو، پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران با تدوین یک راهبرد ملی دیپلماسی دیجیتال، تقویت زیرساخت‌های تحلیلی و تولید محتوا و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و نخبگانی منطقه، مسیر تقویت قدرت نرم خود در غرب آسیا را بازتعریف و تحکیم نماید. این مسیر، در صورت پیگیری هدفمند، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در عرصه رقابت‌های نرم قرن بیست‌ویکم گردد.

رقابت‌های منطقه‌ای با کشورهایی مانند ترکیه و عربستان سعودی در کنار محدودیت‌های داخلی به واسطه فشار تحریم‌ها یا چالش‌های ناشی از عدم هماهنگی نهادی، مسائلی هستند که می‌توان در بررسی‌های آینده به آن‌ها بیشتر پرداخت. همچنین تحقیقات آینده می‌توانند با بررسی

دیپلماسی دیجیتال دیگر کشورهای منطقه یا نقش فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی در افزایش اهمیت دیپلماسی دیجیتال این حوزه مطالعاتی را بسط دهند.

فهرست منابع

- Ahmadian, Hadi. (2020). *Iran's Soft Power in the Middle East: Tools and Strategies*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-65802-1>
- ASEAN Secretariat. (2024). ASEAN Annual Report 2024. Jakarta: ASEAN. Retrieved from <https://asean.org/asean-annual-report-2024/>
- Bjola, Corneliu, & Holmes, Marcus. (2015). *Digital diplomacy: Theory and practice*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315730844>
- Buzan, Barry, & Wæver, Ole. (2003). *Regions and powers: The structure of international security*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511491252>
- CSIS. (2024). *Crossroads of Competition: China in Southeast Asia and the Pacific* (p. 3). Washington, DC: Center for Strategic and International Studies. Retrieved from <https://www.csis.org/analysis/crossroads-competition-china-southeast-asia-and-pacific-islands>
- CSIS. (2019). *China's Digital Silk Road and Southeast Asia* (p. 7). Center for Strategic and International Studies. Retrieved from <https://www.csis.org/analysis/chinas-digital-silk-road-and-southeast-asia>
- China-ASEAN Institute for Strategic Studies. (2024). ASEAN-China Joint Statement on Facilitating Cooperation in Building a Sustainable and Inclusive Digital Ecosystem. Retrieved from <https://www.asean.org/asean-china-joint-statement-2024/>
- China Briefing. (2024). *China's EdTech Market: Growth Trajectories and Future Prospects*. <https://www.china-briefing.com/news/chinas-edtech-market-growth-trajectories-and-future-prospects/>
- Chen, Yuwei. (2022). *China's Digital Diplomacy in Asia: Strategies and Challenges*. Routledge. <https://doi.org/9781003272922/10.4324>
- Chen, Yujun, & Wang, Xin. (2023). China's Digital Diplomacy towards ASEAN Countries: Framing the South China Sea Dispute. *Center on Public Diplomacy, USC Annenberg School*. Retrieved from <https://www.uscpublicdiplomacy.org/research>
- Chen, Ling, & Liu, Qing. (2021). Digital soft power: China's tech firms in regional diplomacy. *Asian Journal of Communication*, 31(3), 65–85.
- CNNIC. (2024). *The 50th Statistical Report on Internet Development in China* (p. 15). Retrieved from <http://www.cnnic.cn>
- Custer, Samantha, Russell, Brooke, DiLorenzo, Matthew, Cheng, Mengfan, Ghose, Siddhartha, Sims, Jacob, Turner, Jennifer, & Desai, Harsh. (2018). *Ties that bind: Quantifying China's public diplomacy and its "good neighbor" effect*. Williamsburg. <https://doi.org/10.21953/aiddata.2018.06.001>
- Dehshiri, Mohammad Reza. (2021). Iran's public diplomacy in the Middle East. *Foreign Relations Quarterly*, 12(3), 35–50. [In Persian]
- Deutsch, Karl Wolfgang. (1957). *Political community and the North Atlantic area: International organization in the light of historical experience*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Digital Marketing for Asia. (2025). *The Most Popular Social Media Platforms in APAC 2025*. Retrieved from <https://www.digitalmarketingforasia.com>

- D'Hooghe, Ingrid. (2014). *China's public diplomacy*. Leiden: Brill. <https://doi.org/10.1163/9789004283954>
- Dorrj, Hamid. (2025). Futures Studies of the Soft Reflection of the Islamic Revolution of Iran on the Empowerment of Yemeni Shiites. *Islamic Revolution Futures Studies Quarterly*, 6(1), 63–101. [In Persian].
- Education Resources Information Center. (2023). Digital transformation in top Chinese universities: A policy study (EJ1410145, p. 6). <https://doi.org/10.2190/EJ1410145>
- Eftekhari, Asghar. (2003). Neo-Regionalism and the Security of the Islamic Republic of Iran. *Rahbord (Strategic Studies Quarterly)*, 11(1). [In Persian]
- Fattahi Eftekhari, Ebrahim. (2022). Capacities of the Islamic Republic of Iran's Soft Power in West Asia. *International Politics Quarterly*, 9(4), 75–102. [In Persian].
- Fawcett, Louise. (2005). *Regionalism in world politics: Past and present*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Gilboa, Eytan. (2008). Searching for a theory of public diplomacy. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 55–77. <https://doi.org/10.1177/0002716207312142>
- Glenn, Jerome C., & Gordon, Theodore J. (2020). *Futures research methodology*. Washington, DC: The Millennium Project. Retrieved from <http://www.millennium-project.org/publications/>
- Gholipour, Ahmad, Mohammadzadeh, Ali, & Ahmadi, Mostafa. (2021). Trend Analysis in Futures Studies: Theoretical Foundations and Methods. *Journal of Futures Studies in Management*, 32(1), 45–66. [In Persian]
- Hartig, Falk. (2016). *Chinese Public Diplomacy: The Rise of the Confucius Institute*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315750095>
- HassanZadeh, Ali, & Akbari, Mohammad. (2023). Trends Affecting Iran's Soft Power in the Next Decade: A Strategic Futures Study. *Futures Studies in Management Quarterly*, 35(2), 50–78. [In Persian].
- Huang, Yu. (2021). Digital Confucius Institutes and China's Soft Power in Southeast Asia. *Asian Journal of Communication*, 31(1), 67–80. <https://doi.org/10.1080/01292986.2020.1837123>
- Huang, Ying, & Wang, Xiaohui. (2020). Digital diplomacy in East Asia: Opportunities and risks. *Journal of Asian Studies*, 79(1), 65–80. <https://doi.org/10.1017/S0021911819001234>
- Kim, Soo-Yeon, & Lee, Ji-Hyun. (2021). Public diplomacy and soft power in East Asia. *Pacific Review*, 34(2), 40–55. <https://doi.org/10.1080/09512748.2020.1746898>
- Landman, Todd. (2008). *Issues and methods in comparative politics: An introduction*. Routledge.
- Lee, Minyoung. (2025). China's Soft Power Play: Can Fashion and Digital Influencers Reshape Its Global Image? *The Diplomat*. Retrieved from <https://thediplomat.com/2025/03/chinas-soft-power-play-can-fashion-and-digital-influencers-reshape-its-global-image>.
- Li, Mingjiang. (2020). *China's Rise in Asia: Promises and Perils*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-981-15-4675-4>
- Li, Jing. (2022). From infrastructure to influence: Tech giants and China's digital diplomacy. *Journal of East Asian Studies*, 19(2), 60–68.
- Manor, Ilan. (2019). *The digitalization of public diplomacy*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-04405-3>

- Masuda, Masayuki. (2011). China's search for a new foreign policy frontier: Concept and practice of "harmonious world". In *China security report 2011* (pp. 45–60). National Institute for Defense Studies. Retrieved from <http://www.nids.mod.go.jp/publication/>
- Miller, Carl. (2022). *China's Digital Diplomacy*. Center for Research and Evidence on Security Threats. Retrieved from <https://crestresearch.ac.uk/comment/chinas-digital-diplomacy/>
- ModernDiplomacy. (2025). *From Silk to Servers: China's Hidden Power in Southeast Asia*. Retrieved from <https://moderndiplomacy.eu/2025/01/12/from-silk-to-servers-chinas-hidden-power-in-southeast-asia-as-a-fork-in-the-digital-road/>
- Mousavi, Vahid. (2024). The Impact of Digital Communication on Iran's Soft Power in West Asia. *World Applied Sciences Journal (WASJ)*. [In Persian].
- Nye, Joseph. S. (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics. *PublicAffairs*.
- Nye, Joseph. S. (2011). The Future of Power. *Public Affairs*.
- Palit, Parama Sinha. (2024). *Public Diplomacy Through Social Media: the Chinese Way*. China Research Center. Issue: 2024. Vol. 23, No.1. Retrieved from <https://www.chinacenter.net/2024/china-currents/23-1/public-diplomacy-through-social-media-the-chinese-way/>
- Qolipour, Akbar, Mohammadzadeh, Ali, & Ahmadi, Mohammad. (2021). Trend Analysis in Foresight: Theoretical Foundations and Methods. *Journal of Foresight Management*, 32(1), 45–66. [In Persian].
- Rezaei, Mohammad. (2024). Drivers of Iran's Regional Influence: Soft Power and Military Synergy. *Defense and Strategic Research Journal (DFSR)*. [In Persian].
- Repnikova, Maria. (2022). *Chinese Soft Power*. Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108953511>
- Reuters. (2025). Malaysia telco U Mobile to partner with China's Huawei and ZTE for 5G network. Retrieved from <https://www.reuters.com/business/media-telecom/malaysia-telco-u-mobile-partner-with-chinas-huawei-zte-5g-network-2025-04-15/>
- Sadeghi, Ahmad. (2021). Iran's religious diplomacy in the Arbaeen ceremony. *Political Studies Quarterly*, 9(2), 85–100. [In Persian].
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem, & Vahidi, Mousa Reza. (2011a). New Public Diplomacy: Conceptual and Operational Frameworks. *Siyasat (Politics Quarterly)*, 41(4), 77–95. [In Persian].
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem, & Vahidi, Mousa Reza. (2011b). Public Diplomacy and the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Policy Quarterly*, 25(3), 89–115. [In Persian].
- Sarkar, Aswin, & Yang, Xiaoying. (2024). *Streaming K-dramas and C-dramas: The different paths of Korean and Chinese online television distribution overseas*. London: City, University of London. <https://doi.org/10.25383/city.34747>
- Shahrarnia, Seyed Amir Masoud, Ebrahimi, Ali, & Balbasi, Meysam. (2012). A Conceptual Review of Soft Power and Iran's Strategic Opportunities. *Journal of Political Science and International Relations*, 1(3). [In Persian].
- Rahbarnia, Javad. (2015). The Role of Media Diplomacy in the Soft Power of the Islamic Republic of Iran. *International Political Studies Quarterly*, 7(2), 115–142. [In Persian]
- Shakeri, Behzad. (2021). Challenges of Iran's public diplomacy in the digital era. *Political Studies Quarterly*, 10(2), 65–80. [In Persian].
- Shambaugh, David. (2020). *China and the World: Challenges and Opportunities*. Oxford: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190062316.001.0001>
- Söderbaum, Fredrik. (2016). *Rethinking regionalism*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1057/9781137573032>

- Sun, Henry. (2021). China's Digital Belt and Road: Infrastructure and Geopolitical Influence. *Journal of Chinese Political Science*, 26(1), 111–130. <https://doi.org/10.1007/s11366-020-09704-y>
- Tahhan, Mohsen Hadi, Razavi, Seyed Mohammad Hossein, & Kalateh Seyferi, Masoumeh. (2025). Identifying the Dimensions of Sports Diplomacy in Enhancing the Future Soft Power of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].
- Tungkeunkunt, Kornphanat. (2025). Chinese streaming content in Southeast Asia: Opportunities for Thailand. ISEAS – Yusof Ishak Institute / Fulcrum. <https://fulcrum.sg/chinese-streaming-content-in-southeast-asia-opportunities-for-thailand/>
- UNESCO. (2023). Smart Education Platform of China: Laureate of UNESCO Prize for ICT in Education. <https://www.unesco.org/en/articles/smart-education-platform-china-laureate-unesco-prize-ict-education>
- University Alliance of the Silk Road (UASR). (2024). About UASR. Retrieved from <http://uasr.xjtu.edu.cn>
- Westcott, Nicholas. (2008). Digital Diplomacy: The Impact of the Internet on International Relations. Oxford Internet Institute.
- Xi, Jinping. (2014). The Governance of China. Beijing: Foreign Languages Press.
- Xu, Yuncheng, Li, Jiaxin, & Wang, Huajing. (2023). Visual propaganda in Chinese central and local news agencies: A Douyin case study. *Nature Communications*, 14, Article 3059. <https://doi.org/10.1038/s41467-023-38765-9>
- Yarmohammadi, Mohammad, & Abbasi, Fatemeh. (2022). Trend Analysis Approach in Social Transformations. *Cultural Strategy Quarterly*, 8(2), 113–134. [In Persian]
- Zhang, Yongjin, & Breslin, Shaun. (2020). China's Global Engagement: Cooperation, Competition, and Influence in the 21st Century. Washington, DC: Brookings Institution Press. <https://doi.org/10.7864/j.ctvbnm3p8>
- Zhang, Jian. (2022). China's COVID-19 Vaccine Diplomacy and Soft Power Projection. *Asian Politics & Policy*, 14(1), 5–26. <https://doi.org/10.1111/aspp.12623>
- Zhang, Ting, & Wu, Xia. (2021). Digital Narrative Competition in the South China Sea: The Role of Chinese Diplomacy on Twitter. *Asian Politics & Policy*, 13(1), 35–44.
- Zhao, Suisheng. (2013). China's soft power and its implications for the United States: Competition and cooperation in the developing world. *Asia-Pacific Review*, 20(1), 36–47. <https://doi.org/10.1080/13439006.2013.793938>
- Zhao, Xiaoming. (2023). China's soft power strategies in East Asia: Digital and cultural diplomacy. *Asia-Pacific Review*, 30(1), 5–20. <https://doi.org/10.1080/13439006.2023.2156789>
- Zhao, Xiaofan, Liu, Hui, & Chen, Qing. (2024). Government and Nationalism in China's Digital Diplomacy: Evidence from Social Media. *Nature Communications*, 15(1), 2205. <https://doi.org/10.1038/s41467-024-46234-8>

